

آشنایی با تفسیر علمی قرآن

گفت و گو با: دکتر ناصر رفیعی محمدی و دکتر محمد علی رضایی اصفهانی

این کتاب توسط مؤسسه فرهنگی - اسلامی شبکه الامامین الحسنین علیهم السلام بصورت الکترونیکی برای مخاطبین گرامی منتشر شده است.

لازم به ذکر است تصحیح اشتباهات تایپی احتمالی، روی این کتاب انجام نگردیده است.

شناسنامه کتاب

آشنایی با تفسیر علمی قرآن

گفت و گو با: دکتر ناصر رفیعی محمدی و دکتر محمد علی رضایی اصفهانی

تهیه کننده: مرکز مطالعات و پژوهش های فرهنگی حوزه ی علمیه

ناشر: انتشارات مرکز مدیریت حوزه علمیه قم

ویراستاران: محمد جواد شریفی، حمیده انصاری

حروف چین و صفحه آرا: حسن یوسفی

چاپ اول: زمستان 1381

تیراژ: 2000 نسخه

شابک: 964 - 6918 - 35 - 2

مقدمه

بشر امروز همراه با تحولات جدید، یا به دوران نوینی گذاشته و با اندیشه ها و مکاتب جدیدی روبه رو شده است. اگر در گذشته سخن از الحاد و دین داری به میان می آمد، امروزه با تفسیر ملحدانه یا مؤمنانه از متون دینی روبه رو است. مسائل زبان شناسی، نشانه شناسی، پدیدار شناسی، هرمنوتیک و فلسفه ی زبان به شدت او را درگیر کرده است.

البته دین دارن و عالمان دینی، همواره در پی معنایابی متون دینی بوده اند و دانش مستقلی به نام علم تفسیر را، که از چگونگی دست یابی به معانی مدلول الفاظ قرآن سخن می گوید، راه انداختند؛ زیرا بر این باور بودند که خداوند متعال در نزول قرآن، مقصود و معنای خاصی را منظور داشته است و به تعبیر هرمنوتیک، نیت مؤلف در متن محفوظ است.

اهل تفسیر، روش‌ها و گرایش‌های گوناگونی در کشف مقصود شارع مقدس به کار برده‌اند. گرایش‌های مذهبی (شیعی، معتزلی، اشعری و...)، موضوعی (فقهی، ادبی، فلسفی، اجتماعی، تاریخی، علمی، سیاسی، تربیتی، عرفانی، اعتقادی و...) و نگارشی (موضوعی، تربیتی و مزجی) و نیز روش‌های قرآن به قرآن، روایی، اشاری و رمزی و عرفانی، عقلی و فلسفی، تفسیر به رأی و تفسیر علمی را مورد بحث قرار داده‌اند و هر یک از روش‌ها و گرایش‌ها که به تفسیر به رأی منجر می‌شود، از آن جهت که مراد متکلم را مخدوش سازد، مردود و نامشروع شمرده می‌شود.

به هر حال، تفسیر صحیح و مشروع از قرآن، به رعایت ضوابط و شرایطی نیاز دارد که تخطی از آنها، آدمی را به بی‌راهه می‌کشاند.

سیوطی در الاتقان می‌نویسد: روشن است که خداوند خلقش را به اموری که قابل فهم است، مخاطب قرار داده است؛ به همین جهت، هر رسولی را به زبان قومش ارسال، و کتابش را بر لغت آنها نازل می‌نمود؛ لکن علومی که به عنوان مبادی تفسیر مورد استفاده قرار می‌گیرند عبارتند از: لغت، نحو، علم تعریف، اشتقاق، معانی، بیان، بدیع، قرائت، اصول دین، اصول فقه، اسباب نزول قصص و اخبار، ناسخ و منسوخ و علم فقه و...

پس روشن شد که قرآن با این که به زبان عربی نازل شده و از واژگان عرفی در تبیین مراد خداوند متعال استفاده شده است، ولی از آن رو که معارف بلند و فراوانی در قالب الفاظ محدود جای گرفته و فاصله‌ی زمانی زیادی بین نزول قرآن و عصر حاضر تحقق یافته و نیز اصول و کلیات فراوانی در قرآن ذکر شده است، به تفسیر و رعایت ضوابط و قواعد مذکور نیازمند است. حال پرسش جدیدی که پیش رفت‌های علوم جدیدی برای مفسران به ارمغان آورده این

است که آیا تئوری‌ها و فرضیه‌های علمی در تفسیر قرآن به مفسران مدد می‌رسانند یا این که تفسیر علمی از مصادیق تفسیر به رأی «و من فسّر القرآن برأیه فقد کفر» است. پاسخ دقیق و عالمانه به این پرسش، متوقف بر چیستی تفسیر علمی و درک ضوابط و رعایت شرایط آن است، که محققان فرزانه، حجج اسلام، آقایان دکتر رضایی اصفهانی و دکتر رفیعی بدان پرداخته‌اند.

در پایان بر خود فرض می‌دانم از مؤلفین محترم و نیز از حجج اسلام سید محمد علی داعی نژاد (معاونت تحقیقات)، سید محمد حسین میری (مدیر گروه قرآن) و حمید کریمی (مدیر پروژه‌ها) و هم‌چنین از مجریان، کارمندان، حروف‌نگاران، ویراستاران و سایر عزیزانی که در آماده‌سازی این اثر زحمت خالصانه کشیده‌اند، تقدیر و تشکر نمایم.

عبدالحسین خسروپناه

جانشین مرکز مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی

حوزه علمی قم

تفسیر در لغت و اصطلاح

با توجه به این که موضوع بحث ما تفسیر علمی است، تعریفی از واژه ی تفسیر بیان نمایید.

دکتر رفیعی:

واژه ی تفسیر، دارای معانی لغوی متعددی است که بیش تر این معانی دارای وجه مشترک اند؛ از جمله: کشف، روشن نمودن، آشکار ساختن، پرده برداری، ایضاح، ابانه، تفصیل، شرح دادن و از این قبیل معانی که بسیار به هم نزدیک اند و همه ی این معانی در واقع به آشکار کردن و اظهار یک معنا و مفهوم بر می گردند؛ البته درباره ی ریشه ی لغت تفسیر، نظرهای مختلفی بیان شده است. برخی آن را از ماده ی «فسر»^[1] و برخی از ماده ی «سفر» گرفته اند.^[2] عده ای نیز، واژه ی تفسیر را لغت «دخیل» دانسته اند؛ یعنی از زبان دیگری وارد زبان عربی شده است.^[3] به هر حال، واژه ی تفسیر یک بار در قرآن کریم استعمال شده است و به معنای روشن نمودن و آشکار ساختن است.

در ارتباط با معنای اصطلاحی تفسیر، برخی مطالبی را آورده اند که به بحث علوم قرآن بر می گردد؛^[4] مثل شناخت ناسخ و منسوخ و محکم و متشابه که مستقیماً با تفسیر ارتباط ندارند؛ اما مفسران تعاریف متعددی از معنای اصطلاحی تفسیر ارائه نموده اند؛ از جمله، علامه طباطبایی (ره) می فرمایند:

تفسیر عبارت است از: بیان کردن معنای آیه های قرآن و پرده برداری از اهداف و مقاصد و مدلول آیات.^[5]

مرحوم طبرسی (ره) دایره ی تفسیر را قدری محدودتر کرده و فرموده اند:

الفاظ مشکل قرآن را تبیین کردن و مراد از آن را بیان کردن.^[6]

این معنای اصطلاحی با آن معنای لغوی «کشف، بیان و پرده برداری از آنچه مبهم است»، کاملاً تطابق دارد.

معنای اصطلاحی تفسیر با کدام یک از معانی لغوی آن سازگارتر است؟
دکتر رفیعی:

همه ی معانی لغوی تفسیر با معانی اصطلاحی مطابق اند؛ هم چنین خود معانی لغوی به معنای واحدی برمی گردند؛ یعنی در واقع همه ی لغویون به شکلی واژه ها را تغییر داده و الفاظ مشابه آورده اند؛ لکن معنای پرده برداری و شرح و ایضاح، که در لغت تفسیر آمده است، با معنای اصطلاحی آن تطابق بیش تری دارد.

تفسیر و کشف مراد خداوند

فرمودید: «کشف مراد از کلام خداوند»؛ در حالی که الفاظ می توانند چند نوع معنا را افاده کنند؛ مثل مراد استعمالی و مراد جدی. طبق تعریف شما، تلاش برای استخراج و کشف مراد استعمالی آیات (این که در لغت چه کاربردهایی دارند) جنبه ی تفسیری ندارد. آیا این نقض بر تعریف شما وارد است؟
دکتر رفیعی:

کشف مراد جدی خداوند، یعنی بیان مقاصد و اهداف گوینده، بخشی از تفسیر است. در تفسیر آیه، ضمن تبیین الفاظ و کشف ابهامات، باید مراد گوینده نیز به دست آید؛ لکن نباید چیزی بر ظاهر آیه تحمیل شود. طبیعی است که منابعی برای تفسیر آیات در اختیار ماست؛ مثلاً اگر بخواهیم آیه ی (صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ)^[7] را تفسیر کنیم، در مرحله ی اول، واژه را معنا و تفسیر می کنیم تا اطلاعاتی از این آیه به مخاطب ارائه دهیم؛ سپس با قراردادن سایر آیات در کنار این آیه و با تبیین معانی لغوی و نیز احادیث و منابع و مدارک عقلی که در

اختیار داریم، فهم و برداشت خود را از این آیه اظهار می‌داریم؛ اما ممکن است این معنا مراد جدی و قطعی خداوند نباشد و آیه معنای دیگری هم داشته باشد. طبیعی است که فقط تبیین یک مصداق برای هر آیه صحیح نیست؛ لکن لازم است آن مراد کاربردی روشن شود و اسمش هم مراد جدی گذاشته نشود.

دکتر رضایی:

به نظر می‌رسد که در معنای تفسیر، سه عنصر اساسی وجود دارد:

1. کشف ابهامات؛ همان طور که مرحوم طبرسی اشاره کرده‌اند: «کشف المراد عن اللفظ المشکل».^[8] گاهی یک لفظ مشکل است، لکن باید معنایش روشن شود و ابهام لفظ برطرف گردد؛

2. بیان مقاصد و اهداف گوینده؛ مثلاً حقیقت است یا مجاز؛

3. اظهار این مطلب با قلم یا سخن؛ لذا گفته‌اند: باید عنصر کشف در تفسیر باشد و یک حالت مکاشفه داشته باشد؛ یعنی تا زمانی که مطلب در ذهن باشد تفسیر نیست؛ اگر بیان شود، تفسیر است؛ از این رو، چنانچه تفکر در قرآن صورت گیرد، ولی بیان نشود، هنوز به مرحله‌ی تفسیر نرسیده است.^[9]

با یک مثال ساده مطلب تا حدودی روشن می‌شود؛ مثلاً خداوند خودش را در آیات قرآن، «سمیع و بصیر» معرفی کرده^[10] و معنای لغوی و مراد استعمالی‌اش این است که خداوند حس شنوایی و بینایی دارد؛ اما وقتی دقت کنیم و قراین دیگری، مثل آیه‌ی (لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ) را در کنار این آیه بگذاریم یا با قراین عقلی بسنجیم، به این نتیجه می‌رسیم که مراد از سمیع و بصیر، علم به اشیا و مسموعات و مبصرات است، نه داشتن چشم و گوش؛ در نتیجه، می‌توان گفت که تفسیر عبارت است از: «تبیین مراد استعمالی و جدی آیات قرآن» که

البته این تفسیر باید بر اساس قواعد ادبیات عرب، اصول عقلایی محاوره و هم چنین با توجه به روایات اهل بیت علیهم السلام صورت گیرد.^[11]

چیستی علم

مراد از علم در تفسیر علمی چیست؟

دکتر رضایی:

در عبارت «روش تفسیر علمی» سه واژه ی «تفسیر» «روش» و «علم» را داریم که معنای تفسیر را تا حدودی روشن می کند.

در این جا، مقصود از علم، همان علم تجربی است. بر اساس دیدگاه مشهور، علوم به چهار دسته تقسیم می شوند:

1. علوم شهودی، مثل عرفان؛

2. علوم نقلی، مثل تاریخ؛

3. علوم عقلی، مثل ریاضیات، یا منطق؛

4. علوم تجربی^[12] که به دو شاخه تقسیم می شود: الف) علوم طبیعی، مثل

پزشکی و شیمی؛ ب) علوم انسانی، مثل جامعه شناسی و روان شناسی.

آنچه مورد بحث است، این دو شاخه از علوم تجربی است؛ یعنی گاهی در

تفسیر قرآن، برای روشن شدن مفاد یک آیه، از علوم تجربی، مثل فیزیک، علوم

پزشکی و امثال آن استفاده می شود، که نتایج حاصل از آن را تفسیر علمی

قرآن می نامند. پس مقصود از علم در این جا اصطلاح خاص (علوم تجربی)

است، نه معنای منطقی علم که عبارت از تصورات و تصدیقات ذهنی است.^[13]

مراد از علوم تجربی، اعتقاد و یقین مطابق با واقع نیست؛ بلکه آن چیزی

است که از راه حسّ و تجربه به دست می آید و گاهی موجب روشن شدن مفاد

آیات قرآن می گردد؛ مثلاً قرآن می فرماید:

(وَ الشَّمْسُ تُجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا) ^[14]؛ و خورشید که پیوسته به سوی قرارگاهش در جریان است.

معمولاً واژه ی «تجری» را به معنای «حرکت» به کار می برند؛ در حالی که لازم است در این جا به یک نکته ی علمی و کیهان شناسی توجه شود، تا مفاد این آیه روشن گردد.

آیه ی شریفه می فرماید: خورشید در جریان است، نه این که خورشید حرکت می کند؛ «الشمس تحرک». گاهی حرکت گلوله را تحرک می نامیم؛ گلوله وقتی که حرکت می کند دیگر التهاب ندارد؛ اما وقتی آب در جوی حرکت می کند زیر و زبر می شود. عرب به حرکت آب در جوی «تجری» می گوید؛ یعنی وقتی که آب در جوی وارد می شود زیر و رو می شود. امروزه دانشمندان در مباحث کیهان شناسی به این نتیجه رسیده اند که خورشید فقط حرکت نمی کند، بلکه در اثر انفجارات هسته ای مرتب مواد مذاب و گازی شکل بالا و پایین و زیر و زبر می شود؛ همانند آبی که در جوی حرکت می کند و در حال جریان است. ^[15] این یک نکته ی علمی است که تفسیر آیه را بیش تر روشن می کند؛ یعنی با توجه به علوم تجربی، فهم آیه برای ما آسان تر می گردد.

روش های تفسیری

علاوه بر تبیین روش علمی، روش های دیگر و ملاک مجزا کردن این روش با روش های دیگر چیست؟

دکتر رضایی:

در مباحث تفسیری گاهی «روش تفسیر» و گاهی «گرایش تفسیری» و، به زبان عربی، «منهج» یا «الوان» گفته می شود.

وقتی در تفسیر آیات قرآن از ابزار عقل استفاده کنیم و نتایجی به دست آید و مفهوم و مفاد آیه روشن شود، تفسیر عقلی است؛ هم چنین اگر با استفاده از روایات پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ یا ائمه ی اطهار عَلَيْهِمُ السَّلَام همراه با مبانی ویژه ای که در مباحث روایات و حجیت خبر واحد است، مفاد آیه روشن شود، به این روش، روش تفسیر روایی گویند.

بنابراین، روش عبارت است از: استفاده کردن از ابزارهای خاصی برای تفسیر قرآن، با توجه به مبانی خاصی که نتایج ویژه ای را به دنبال داشته باشد.^[16] روش دارای اقسام زیادی است؛ مثل روش تفسیر عقلی، تفسیر علمی، تفسیر روایی و تفسیر قرآن به قرآن. در تفسیر علمی قرآن از ابزار علوم تجربی استفاده می کنیم؛ یا به تعبیر دیگر، استخدام علوم تجربی برای فهم آیات قرآن که نتایج مشخصی را هم به دنبال دارد؛ اما در گرایش های تفسیری وقتی که مفسر به خاطر سلیقه و علاقه ی خاص یا تخصص ویژه اش، از مطالبی هم چون فلسفه یا مطالب علمی بیش از حد در تفسیرش استفاده کند، ولو این که این ها را به عنوان ابزار به کار نبرد، گرایش تفسیری یا لون تفسیری می نامند؛ مثل تفسیر طنطاوی^[17] که حجم مطالب علمی آن زیاد است؛ و یا تفسیر فخر رازی^[18] که رنگ کلامی به خود گرفته است، هرچند ممکن است روش آن روش کلامی نباشد. روش و لون ملازمه ای با هم ندارند.

بنابراین، روش تفسیر قرآن یک بحث، و الوان و گرایش های تفسیری قرآن بحث دیگری است. به عقیده ی ما روش تفسیر علمی یک روش است نه یک رنگ؛ همان طور که روش تفسیر قرآن به قرآن روش خاصی است، چون نتایج مشخصی را به دنبال دارد.

این روش‌ها نیز تقسیم‌بندی شده‌اند؛ گاهی آن را براساس نوع چینش مفسر، به تفسیر ترتیبی یا تفسیر موضوعی و گاهی به تفسیر نقلی یا تفسیر اجتهادی تقسیم کرده و روش تفسیر نقلی را نیز به روش تفسیر قرآن به قرآن (مانند: المیزان) و روش قرآن به روایات تقسیم نموده‌اند. تفسیر قرآن به دو بخش تفسیر ناقص و تفسیر کامل یا اجتهادی تقسیم می‌شود و روش ناقص، به روایی و غیرروایی تقسیم می‌شود که روش غیرروایی شامل روش عقلی، علمی، عرفانی یا رمزی و امثال آن می‌شود.^[19] البته بعضی قایل‌اند که می‌توان روش تفسیری را از جهت اعتبار به معتبر و غیرمعتبر تقسیم نمود؛ در نتیجه، دیدگاه‌های مختلف و تقسیمات مختلف بر مبناهای خاصی وجود دارد.

لطفاً نظر خود را در این مورد و هم چنین درباره‌ی اقسام تفسیر بیان کنید؟

دکتر رفیعی:

بحث دکتر رضایی درباره‌ی روش‌ها کافی بود. به نظر بنده باید بین روش‌های تفسیری و گرایش و به تعبیر بعضی از متأخرین، اتّجاهات و اهتمامات تفسیری (تفاوت گذاشت. گاهی مفسّر با روش تفسیر قرآن به قرآن، یا روش قرآن به حدیث، یا تقسیم‌بندی‌های عقلی، نقلی و غیره وارد می‌شود؛ اما صبغه‌ای که دنبال می‌کند، صبغه‌ی فلسفی، یا کلامی یا اجتماعی یا اخلاقی است. طبیعی است که اگر ما این دو را تفکیک کنیم و روش را شیوه‌ای بدانیم، مفسر بهتر برای فهم و تبیین مراد آیات آن را به کار می‌برد؛ مثلاً، ابن عباس معتقد است که تفسیر بر چهار وجه است:

1. وجهی که عرب آن را می‌فهمد؛

2. تفسیری که هیچ‌کس نسبت به جهل آن معذور نیست و باید همگان آن را

بدانند؛

3. تفسیری که تنها علما و محققان آن را می دانند؛

4. تفسیری که فقط خدا از آن آگاه است.^[20]

در شیوه ی تفسیر هم برخی قایل اند که اگر در تمام آیات سریان داشته باشد، طبیعی است که دیگر روش نخواهد بود؛ متأخرین، در تقسیم بندی این ها را جزء اتجاهات و اهتمامات^[21] یا گرایش ها، یا لون ها آورده اند.^[22]

اما یک دیدگاه این است که خود روش^۰ ناقص و کامل دارد؛ گاهی قابل سریان در همه ی آیات است و گاهی این طور نیست؛ کما این که در روش تفسیر قرآن به حدیث، شاید ما برای همه ی آیات حدیث نداشته باشیم، یا در تفسیر قرآن به قرآن برای همه ی آیات نتوانیم در خود قرآن پشتوانه ای بیابیم. بدیهی است که باید بین صبغه ی نظری مفسر و روش و شیوه ی او تفاوت گذاشت؛ مثل مرحوم علامه طباطبایی که روش ایشان تفسیر قرآن به قرآن است، ایشان درباره ی روش تفسیر قرآن با قرآن می فرماید:

چه طور می توان پذیرفت که قرآن بیان همه چیز باشد، اما بیان خودش نباشد، با این که خدا درباره ی قرآن فرموده: (هُدًى لِّلنَّاسِ وَ بَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَ الْفُرْقَانِ)؛^[23] چگونه ممکن است قرآن مایه ی هدایت و میزان سنجش خوب و بد و وسیله ی روشنی برای عالمیان باشد، ولی در موضوع فهم خود آیات قرآن که جهانیان احتیاج شدید به آن دارند، آنها را مستغنی نسازد!^[24]

ایشان درباره ی نقص سایر روش های تفسیری می فرمایند:

وقتی درست دقت می کنیم می بینیم تمام روش های تفسیری در این نقیصه مشترک اند که نتایج بحث های علمی یا فلسفی و غیر آن را از خارج گرفته و بر مضمون آیات تحمیل می کنند؛ لذا تفسیر آنها سر از تطبیق بیرون آورده است؛ روی همین جهت، بسیاری از حقایق قرآن را مجاز جلوه داده، و آیات را تأویل

کرده اند؛ لازمه ی این طور تفسیرها این است که قرآنی که خود را (هُدًیٌ لِلْعَالَمِینَ) و (نُورٌ مُّبِیْنٌ) و (تَبْیَانٌ كُلِّ شَیْءٍ) معرفی می کند از جای دیگر روشنی بگیرد و وسیله ی هدایتی از خارج بگیرد و بالاخره محتاج چیزی دیگر باشد. راستی این چیز دیگر چیست و تا چه اندازه ای ارزش دارد و اگر اختلافی در آن واقع شد چه باید کرد؟^[25]

اما گاهی تفسیر، صبغه ی فلسفی و یا صبغه ی روایی و کلامی دارد؛ لذا بین این دو (روش و گرایش) باید فرق قایل شویم؛ لکن بعضی از مباحث، تا حدودی به الفاظ بر می گردد؛ در واقع آن شیوه ها و روش ها و الوان راه کارهای شخصی اند. هرکدام از این ها در یک تقسیم بندی، بر اساس سلیقه بوده است.

بنابراین، «روش» گاهی اوقات به خاطر خود معارف قرآن است و معارف قرآن دارای ابعاد مختلفی است؛ مانند بعد عقلی، بعد عرفانی و ابعاد علمی؛ یعنی خود قرآن این تنوع نگاه ها و روش ها را اقتضا می کند، نه این که چیزی از بیرون بر قرآن تحمیل شده و همه اش دید مفسر باشد، بلکه مقداری از آن هم اقتضائات علوم قرآنی است.

پی نوشت ها:

- [1] . خلیل بن احمد فراهیدی، کتاب العین، ج 3، ص 1395، و ابن فارس، معجم مقاییس، ج 4، ص 504.
- [2] . بدرالدین زرکشی، البرهان فی علوم القرآن، ج 2، ص 163، و امین الخولی، التفسیر، ص 59.
- [3] . آرتور جفری، واژه های دخیل، ترجمه ی فریدون بدره، ص 157.
- [4] . بدرالدین زرکشی، همان، ج 1، ص 2، ص 163.
- [5] . علامه طباطبایی، تفسیر المیزان، ج 1، ص 7.
- [6] . امین الاسلام طبرسی، مقدمه ی مجمع البیان،
- [7] . سوره ی فاتحة الكتاب، آیه ی 7.
- [8] . امین الاسلام طبرسی، مجمع البیان، ج 1، ص 1.
- [9] . رک: محمدعلی رضایی اصفهانی، درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، ص 38-40.
- [10] . سوره ی بقره، آیه ی 224.
- [11] . رک: سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، ج 2، ص 213.
- [12] . رک: محمدعلی رضایی اصفهانی، همان، ص 159.
- [13] . العلم هو حصول صورة الشیء عند العقل، (مظفر، المنطق، ص 14).
- [14] . سوره ی یس، آیه ی 38.
- [15] . حسین نوری، دانش عصر فضا، ص 126.
- [16] . رک: محمدعلی رضایی اصفهانی، همان، ص 90.
- [17] . رک: طنطاوی، الجواهر فی تفسیر القرآن.
- [18] . فخرالدین الرازی، تفسیر کبیر.
- [19] . رک: محمدعلی رضایی اصفهانی، همان، فصل روش های تفسیری، ص 90-103.
- [20] . طبری، جامع البیان، ج 1، ص 34.
- [21] . مراد مبحثی است که مفسر در تفسیرش به آن اهتمام دارد، گاهی به دنبال توضیح قرآنی از طریق لغت است یا اعراب، یا
- [22] . جمعی از دانشمندان، العدد الاول، رسالة القرآن، ص 18.
- [23] . سوره ی بقره، آیه ی 187.

[24] . محمد حسين طباطبائي، همان، ج 1، ص 13.

[25] . همان، ج 1، ص 9.

اقسام تفسیر علمی

لطفاً اقسام تفسیر علمی را بیان فرمایید؟

دکتر رفیعی:

گاه تفسیر علمی از باب استخدام و تأیید محتوای آیات و به شکل اعتدالی است که به آن تفسیر «علمی اعتدالی» می‌گوییم؛ مثلاً با استفاده از برخی مباحث روز، به تبیین آیاتی که متضمن برخی مباحث علمی است می‌پردازیم که این یک سبک و شکل است؛ به عنوان مثال، وقتی که قرآن می‌فرماید: (رَبُّ الْمَشْرِقَيْنِ وَرَبُّ الْمَغْرِبَيْنِ)^[1] اگر کسی بحث مشرق‌ها و مغرب‌های متعدد در این آیه را با کروی بودن زمین مرتبط بداند، این یک شکل «اعتدالی» است؛ نه آن که به محض شنیدن یافته‌های علمی، آیه را با آن مطابقت دهیم و در مقابل آن خاضع شویم و یا به طور صددرصد علوم را طرد نماییم و آن را با قرآن بیگانه جلوه دهیم.

شکل دوّم، شکل افراطی است که برخی از تفسیرهای علمی به آن مبتلا هستند و آن، تطبیق آیات قرآن با یافته‌ها یا حتی فرضیه‌های علمی است. اگر کسی یک فرضیه علمی را یافت، سعی می‌کند در مقابل آن خاضع شود؛ و با هر لطایف الحیلی آیه را با آن ارتباط دهد. این همان مشکلی است که برخی، مثل طنطاوی،^[2] فکری^[3] و دیگران به آن مبتلا شده‌اند. مرحوم علامه طباطبایی (ره) این روش را نمی‌پسندند. ایشان می‌فرمایند:

نتایج بحث‌های علمی یا فلسفی و غیر آن را از خارج گرفته و بر مضمون آیات تحمیل می‌کنند و لذا، تفسیر آنها سر از تطبیق بیرون آورده است. روی همین جهت، بسیاری از حقایق قرآن را مجاز جلوه داده و آیات را تأویل کرده‌اند.^[4]

خلاصه این که، تفسیر علمی را می توان به دو قسمت تقسیم نمود: الف) افراطی؛ ب) اعتدالی؛ که بخش افراطی همان تطبیق، و بخش اعتدالی، استخدام علوم و به کارگیری آن در تأیید محتوای آیات است.

دکتر رضایی:

در مورد اقسام تفسیر علمی، دیدگاه های متفاوتی وجود دارد؛^[5] به نظر ما روی کرد به تفسیر علمی، سه نوع است:

یک. گاهی برخی از مفسرین^[6] خواسته اند علوم را از قرآن استخراج کنند و، در حقیقت، سخن آنها ناظر به آیاتی مثل «تَبَيَّنَا لِكُلِّ شَيْءٍ»^[7] بوده است؛ چون قرآن بیان کننده ی همه چیز است، پس همه ی مطالب باید در ظواهر قرآن وجود داشته باشد؛ مثلاً زرکشی در «البرهان» آورده است که برخی، از آیه ی شریفه ی (إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا)^[8] بر اساس حروف ابجد پیش بینی نموده اند که در سال 702 زلزله ای صورت می گیرد و اتفاقاً چنین هم شد؛ و یا از آیه ی شریفه ی (إِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ)^[9] آن جا که خداوند از قول حضرت ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَامُ نقل می کند که «وقتی من بیمار شدم اوست که شفا می دهد.» علم پزشکی را استخراج کرده اند^[10] و از حروف مقطعه ی اوایل سوره ها علم جبر را استفاده کرده اند.^[11] روشن است که این روش، روش صحیحی نیست؛ زیرا همه ی علوم و ریزه کاری های علوم، ظرافت ها، فرمول های فیزیک، شیمی و غیره در ظواهر قرآن وجود ندارد و استخراج آنها از قرآن کاری بی ثمر و بی معناست.

دو. گاهی منظور از تفسیر علمی، تحمیل و تطبیق نظریه های علمی بر قرآن است؛ گاهی برخی از کسانی که به سراغ تفسیر علمی رفتند سعی کردند نظریه های اثبات شده ی علوم را به آیات قرآن تحمیل کنند؛ مثلاً عبدالرزاق نوفل،

نویسنده‌ی معروف مصری، درباره‌ی آیه‌ی شریفه‌ی (هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا) ^[12] می‌گوید:

«انفسکم»، یعنی پروتون، و «زوجها»، یعنی الکترون و «لیسکن الیها»، یعنی حالت آرامشی که بین این الکترون و پروتون برقرار شده و در نتیجه، این اتم از هم نمی‌پاشد و الکترون به طور مرتب به دور مرکز اتم که پروتون و الکترون است می‌چرخد. ^[13]

این سخن با ظاهر آیه و با معنای لغوی و اصطلاحی آیه سازگاری ندارد. روشن است که این روش نیز روش صحیحی نیست. علامه طباطبایی (ره) در مقدمه‌ی المیزان به مسئله‌ی تطبیق می‌پردازد و آن را رد می‌کند. و می‌فرماید:

این گونه تفسیر علمی در یک قرن اخیر در مصر و ایران رایج شد و موجب بدبینی بعضی دانشمندان مسلمان نسبت به مطلق تفسیر علمی گردید. ^[14]

سه. گاهی منظور از تفسیر علمی این است که ما برای فهم بهتر آیات قرآن از علوم استفاده کنیم؛ یعنی علوم را برای فهم بهتر آیات قرآن و روشن کردن و کشف معانی و مقصود خداوند تبارک و تعالی استخدام کنیم؛ به عبارت دیگر، هرچه علم بشر پیش رفت کند، موجب فهم بهتر برخی از آیات قرآن می‌شود، بدون این که قصد استخراج علوم را از قرآن داشته باشیم.

مثلاً این آیه‌ی شریفه، مکرراً در قرآن کریم آمده است: (إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخِنزِيرِ...؛) ^[15] همانا خداوند، خون، میتة و گوشت خوک را بر شما حرام کرده است.

وقتی که علوم بشر پیش رفت می‌کند، روشن می‌شود که خوردن خون، مردار، خوک و شراب چه ضررهایی برای بشر دارد. این پیش رفت های علمی،

موجب روشن تر شدن معنای این آیات و فلسفه ی حرمت می شود؛ یا وقتی که قرآن شریف می فرماید:

(اللَّهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا) ^[16] اشاره به این دارد که بین آسمان ها، ستون هایی است که نمی توان دید.

روایتی از وجود مقدس امام رضا علیه السلام در ذیل همین آیات وارد شده است: (ثُمَّ عَمَدٌ وَلَكِنْ لَا تَرَوْنَهَا)؛ آن جا ستون هایی است؛ اما شما نمی بینید. ^[17] این به چیزی مثل نیروی جاذبه و مانند آن اشاره دارد که ممکن است بعداً کشف شوند؛ لذا می توان یکی از مصادیق آن را نیروی جاذبه دانست.

قرآن در جایی دیگر می فرماید:

(وَ أَرْسَلْنَا الرِّيَّاحَ لَوَاقِحَ) ^[18]؛ و ما بادهای را فرستادیم که عمل لقاح را انجام دهند.

در این آیه لقاح (آبستن کردن) گیاهان به وسیله ی باد به روشنی بیان شده است و حال آن که بعد از قرن ها، علم بشر کشف کرده است که ابرها با بار مثبت و منفی در اثر برخورد با هم بارور می شوند؛ ^[19] بنابراین، این اشاره ی علمی قرآن، اولاً، ما را به این جا می رساند که نازل کننده ی قرآن از همه ی اسرار جهان اطلاع داشته است؛ ثانیاً، کشف های علمی، مثل نیروی جاذبه، توسط نیوتون و دیگران، مفادی از این آیات را برای ما روشن تر می کند، بدون این که نظریه ای را بر قرآن تحمیل و یا مطلبی خلاف واقع را از قرآن استخراج کنیم.

پس، تفسیر علمی به سه قسم تقسیم می شود:

1. استخراج علوم از قرآن؛

2. تحمیل و تطبیق بر قرآن (که این دو قسم از نظر ما صحیح نبود)؛

3. استخدام علوم در فهم قرآن، که این روش صحیحی است.

معیار روش علمی

نظر خود را در مورد این تقسیم بندی و هم چنین معیار روش تفسیری قرآن بیان بفرمایید؟

دکتر رفیعی:

به نظر بنده مبنای تقسیم بندی علمی، دو قسم افراطی و اعتدالی است. استخراج علوم از قرآن، مانند پیش بینی زلزله در سالی خاص، یک بحث علمی نیست تا اسم آن را تفسیر علمی بگذاریم؛ زیرا هر آیه ای را به صرف اشاره به حادثه ای، نمی توان به تفسیر علمی انطباق داد.

پس تفسیر علمی دو قسم است: یکی افراطی و دیگری اعتدالی. در تفسیر اعتدالی مفسر می کوشد آیاتی را برای تأیید یک یافته ی علمی از علوم تجربی و غیره، که علم بشر به آن رسیده است بیاورد و آن را در استخدام فهم بیش تر قرآن قرار دهد؛ مثلاً بحث زوجیت گیاهان در عالم هستی،^[20] گرده افشانی و عمل لقاح در گیاهان،^[21] نقش بادها در پیدایش ابر و باران،^[22] کرویت زمین^[23] و... بین آیه ی قرآن و بحث علمی تطابق هم وجود دارد. این آیه، ضمن این که جنبه ی هدایتی دارد، می تواند معنایی علمی را هم در برداشته باشد. این همان تفسیر اعتدالی است که بین مفسران^[24] رایج است.

قسم دوم، همان تطبیق و تحمیل یک نظریه یا فرضیه ی علمی به قرآن است که به نظر ما درست نیست؛ مانند: «طیراً ابابیل» که شیخ محمد عبده در تفسیرش می نویسد:

اعتقاد به این که پرنده ی مورد نظر از جنس پشه و مگس و حامل میکروب برخی از امراض بود و یا سنگ های سمی با باد به پای پشه و مگس چسبید و

با نشستن این حیوانات روی افراد، آنان مسموم شدند و گوشت های بدنشان ریخت، امری بعید نیست.^[25]

یا در تفسیر «دابه»^[26] به قمرهای مصنوعی^[27] و در تفسیر «نفس واحده»^[28] به پروتون^[29] و در تفسیر «لوح محفوظ»^[30] به «اتر»^[31] و مواردی دیگر، نظریاتی را بر قرآن تحمیل کرده اند؛ اما به تعبیر بنده، استخراج علوم از قرآن، یا تطبیق و تحمیل است و یا در واقع، بحث اعتدال در تفسیر است و شق سومی در کنار این دو نمی تواند باشد.

با توجه به این نکته، عمده ترین بحثی که در روش تفسیر علمی باید به آن توجه شود و در واقع مخالفت ها و موافقت ها را به هم نزدیک می کند، سخنان مشترک آنهاست. مخالفین، لبه ی مخالفتشان روی کسانی است که این شرایط را رعایت نکردند و موافقین هم با شرایط تفسیر علمی می گویند حرفشان صحیح است. من ادله ی مخالفین و موافقین را بررسی نموده ام^[32] این ادله را می توان با هم وفاق داد و آن وفاق همان بحث شرایط تفسیر علمی است.

دکتر رضایی:

یک بحث در این است که تعریف تفسیر علمی بر کدام یک از این ها صادق است. آن تفسیر علمی ای که علم را به عنوان ابزار در خدمت قرآن قرار داده و علوم را برای فهم بهتر قرآن استخدام کرده است مورد تأیید ماست؛ در جایی که تحمیل نظریه یا استخراج باشد یا - به تعبیر دکتر رفیعی - افراط باشد، در حقیقت اصلاً تفسیر نیست؛ چون چیزی از مفاد آیه را روشن نکرده است، بلکه نظر خود را، به جای نظر خدا، بر آیه ی قرآن تحمیل کرده، یا نظریه ی یک دانشمند و یا یک نظریه ی علمی را به جای نظریه ی خدا نشانده است.

بنابراین، تعریف روشن تفسیر علمی، فقط بر همین قسم اخیر که قسم صحیحی است انطباق می یابد؛ اما یک نکته را نباید از نظر دور داشت و آن این که واژه ی «افراطی» یک واژه ی کلی است و حد و مرز مشخصی ندارد؛ خوب است که ما این واژه را تقسیم نماییم و اقسام آن را در نظر بگیریم.

گاهی ما چیزی را از بیرون بر قرآن تحمیل می کنیم و گاهی مطلبی علمی را از قرآن بیرون می کشیم - تطبیقی در درون قرآن انجام می دهیم - مثل همان کاری که «غزالی» در کتاب الجواهر کرده است و در کتاب احیاء العلوم نیز به آن اشاره دارد که:

در قرآن هفتاد و هفت هزار علم وجود دارد. [33]

هر یک از این ها دارای حد، مطلع، ظاهر و باطن است که ضرب در چهار می شود. این همه علوم، کجای قرآن وجود دارد که ما متوجه آن نمی شویم، یا ائمه علیهم السلام بیان نکرده اند؟ بنابراین، این، قسمی از تفسیر ناصحیح علمی است و تحت ضوابط و معیارهای صحیح تفسیر علمی قرار نمی گیرد. اگرچه هر دو، نوعی ایجاد ارتباط بین علم و قرآن است، اما یکی از بیرون است و دیگری از درون.

دکتر رفیعی:

به نظر من، با پرداختن به مبحث معیارها، مطلب قدری روشن خواهد شد. این که فرمودند: گاهی از درون و گاهی از بیرون؛ آیا تاکنون عالمی از درون قرآن، علمی را که در بیرون نیست استخراج کرده است؟ من فکر می کنم نوع بحث، لفظی است؛ یعنی علوم بیرونی اند و مفسر می خواهد برای آن از قرآن تأیید پیدا کند؛ اما غزالی که می گوید در قرآن هفتاد و هفت هزار علم وجود دارد، خود ایشان برای آن شاهی نیآورده است.

معیار صحیح تفسیر علمی

معیار صحیح تفسیر علمی چیست؟

دکتر رفیعی:

شاید بسیاری از اختلافات مخالفین و موافقین به معیار تفسیر علمی برگردد. برای تفسیر علمی چند معیار لازم است: [34]

معیار اول رعایت قوانین تفسیر است که بعضی از این ها به مفسر و بعضی به متن بر می گردد. جناب سیوطی [35] برای مفسر قرآن پانزده شرط ذکر نموده است. علمای الازهر در یک اطلاعیه و زرقانی در کتاب مناهل العرفان یازده شرط ذکر نموده اند.

پس اولین معیار، رعایت شرایط مفسر است؛ گرچه شاید نتوان مستقیماً آن را معیار تفسیر علمی خواند؛ لکن وقتی که مثلاً یک عالم زیست شناسی که هیچ اطلاعی از لغت عرب، ادبیات عرب یا از فصاحت و بلاغت ندارد و قصد تفسیر علمی قرآن را دارد، این معیار مورد استفاده قرار می گیرد.

معیار دوم این است که به شأن و جایگاه قرآن توجه کنیم؛ یعنی مقام قرآن و نیز جایگاه شارح در تبیین قرآن آشکار گردد؛ آیا جایگاه قرآن، هدایت و رهاندن بشر از ضلالت و گمراهی است، یا تبیین مباحث فلسفی و علمی؟ در این باره قرآن می فرماید:

این کتاب، (هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ) [36] است؛ برای هدایت است، (يَهْدِي لِلَّذِينَ هِيَ أَقْوَمُ) [37] است؛ به راهی که استوارترین راه هاست هدایت می کند.

قرآن با خطاب به پیامبر ﷺ پنج هدف را در آیه ی زیر بیان می کند:
(يا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا وَدَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَ سِرَاجًا مُنِيرًا) [38]؛ ای پیامبر! ما تو را گواه فرستادیم و بشارت دهنده و انذار

کننده و تو را دعوت کننده ی به سوی خدا، به فرمان او و چراغی روشنی بخش.

به عقیده ی ما اگر آیه ای اشاره ی علمی دارد، آن هدف اصلی نبوده، بلکه بیان آن به خاطر شأن هدایتی بوده است. وقتی قرآن 14 قرن پیش به عنوان مثال می فرماید: (وَ الشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا) ^[39] درست است که این آیه اشاره ی علمی دارد، اما هدف از آن برداشت هدایت است؛ حال شما از (وَ الشَّمْسُ تَجْرِي) پی به خالقش ببرید یا به توحیدش؛ لذا اغلب آیات علمی قرآن در پایان به مسئله ی توحید، معاد و هدف دار بودن خلقت بر می گردد؛ مثلاً در معرفی کافر می گوید:

کافر مثل کسی است که از جو بیرون رود و نتواند نفس بکشد. ^[40]

درست است که این یک بیان علمی است که خارج از جو، اکسیژن نیست، ولی این در واقع در مقابل آیه ی (أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ) ^[41] و نیز نداشتن حیات معنوی کافر است.

معیار سوم که شاید مختص باشد این است که، تکیه بر قوانین علمی قطعی است نه بر فرضیه ها و نظریه های حدسی؛ حال اگر مفسر بزرگواری به صرف احتمال دادن حیات در کرات دیگر، از آیه ی (يُرْسَلُ عَلَيْكُمَا شُوَاظٌ مِّن نَّارٍ وَ نُحَاسٌ) ^[42] (خدا بر سر شما شراره های آتش و مس گداخته فرود می آورد تا هیچ نصرت و نجاتی نیابید) استفاده ی حیات نماید و آن را کنایه از این بداند که در میان ساکنان کرات دیگر و کره ی زمین در آینده جنگی در می گیرد و آنها آتش بر سر زمینیان می ریزند و این ها دفاع می کنند، این یک فرضیه یا نظریه است؛ یا مثلاً به بمب اتم یا ماهواره ها تعبیر کند، همان بحث افراطی است که

لطمه می زند؛ لذا معیار سوم، تکیه بر قوانین علمی قطعی و پرهیز از فرضیه ها و نظریه هاست.

معیار چهارم که خیلی مهم است، ارتباط بین قانون علمی و آیه ی مورد نظر است؛ مثلاً می گوید آب «H₂O» است و این مسلم است؛ اما از هر آیه ای می توان به عنوان پشتوانه برای این قانون علمی استفاده نمود؟ پس باید بین قانون علمی و آیه ارتباط باشد.

معیار پنجم این است که تعارضی بین تفسیر علمی و حقایق و مضامین قطعی شرعی نباشد.

دکتر رضایی:

از ظهور «پوپر» (حدود 50 سال پیش) ما چیزی به عنوان «قانون» در علم نداریم و حتی ممکن است چیزی به عنوان «قطعیت» هم نداشته باشیم - البته بعضی منکرند - بنابراین، هرچه هست - به قول بعضی فیزیک دانان - افسانه های مفید است^[43]؛ یعنی نظریه هایی که ما بر اساس آن هواپیما می سازیم و با آن مسافرت می کنیم؛ ولی این نظریه ها، ابطال پذیرند نه اثبات پذیر؛ به عبارت دیگر، این مطالب ممکن است هیچ وقت اثبات نشوند، بلکه مورد نقض قرار گیرند، ولی در عین حال تا وقتی که مفید و کارسازند از آن استفاده می کنیم و با آمدن نظریه ی بهتر، آن را جای گزین می کنیم.

ما در علم چیزی به عنوان قانون قطعی اثبات شده نداریم؛ همان طور که فرمودید، باید اولاً مسائل را به صورت غیرقطعی به قرآن نسبت داد؛ یعنی بگوییم که احتمالاً این آیه ی قرآن به نیروی جاذبه اشاره دارد. در کتابی^[44] حدود 300 مورد از آیات علمی قرآن را بررسی کردیم، شش مورد از اعجاز علمی قرآن را پذیرفتیم و 294 مورد را رد کردیم؛ پس نباید تئوری های ظنی

را به طور قطعی به قرآن نسبت دهیم؛ البته برخی موارد ممکن است پشتوانه اش
دلیل عقل یا بداهت حسی باشد؛ مثل حرکت زمین، در این موارد می توانیم به
صورت احتمالی نسبت دهیم که به دام تفسیر به رأی نیفتیم، و تغییراتی که در
علوم حاصل می شود به قرآن راه پیدا نکند و به تفسیر ما ضرر نزند.

پی نوشت ها:

- [1] .سوره ی الرحمن، آیه ی 17.
- [2] .ر.ک: الطنطاوی جوهری، الجواهر فی تفسیر القرآن.
- [3] .ر.ک: علی فکری، القرآن ینبوع العلوم و الفرقان.
- [4] .محمدحسین طباطبایی، همان، ج 1، ص 7.
- [5] .برای مطالعه بیش تر ر.ک: رضایی، همان، ص 374-380.
- [6] .غزالی، جواهر القرآن، ص 37، فصل خامس.
- [7] .سوره ی نحل، آیه ی 89.
- [8] .سوره ی زلزال، آیه ی 1.
- [9] .سوره ی شعراء، آیه ی 80.
- [10] .غزالی، همان، ص 27.
- [11] .ذهبی، التفسیر و المفسرون، ج 2، ص 481.
- [12] .سوره ی اعراف، آیه ی 189؛ اوست خدایی که همه ی شما را از یک تن آفریده و از او نیز جفتش را مقدر داشت، تا به او انس و آرام گیرد.
- [13] .عبدالرزاق نوفل، قرآن و العلم الحدیث، ص 156.
- [14] .محمد حسین طباطبایی، تفسیر المیزان، ج 1، ص 6.
- [15] .سوره ی بقره، آیه ی 173.
- [16] .سوره ی رعد، آیه ی 2.
- [17] .محمد حسین طباطبایی، همان، ج 11، ص 286، بحث روایی.
- [18] .سوره ی حجر، آیه ی 22.
- [19] .عباسعلی سرفرازی، رابطه ی علم و دین، ص 36.
- [20] .سوره ی ذاریات، آیه ی 49.
- [21] .سوره ی حجر، آیه ی 22.
- [22] .سوره ی فاطر، آیه ی 9.
- [23] .سوره ی معراج، آیه ی 40.
- [24] .محمد حسین طباطبایی، همان، ج 1، ص 7.
- [25] .محمد عبده، تفسیر جزء عم، ص 161.

- [26]. سوره ی نحل، آیه ی 82.
- [27]. عبدالرزاق نوفل، القرآن و العلم الحدیث، ص 212.
- [28]. سوره ی اعراف، آیه ی 719.
- [29]. عبدالرزاق نوفل، همان، ص 155.
- [30]. سوره ی بروج، آیه ی 21.
- [31]. محی الدین عجوز، معالم القرآن فی عوامل الاکوان، ص 389.
- [32]. برای مطالعه ی بیش تر رک: ناصر رفیعی محمدی، تفسیر علمی قرآن، ج 2، ص 173—197.
- [33]. ابوحامد غزالی، احیاء علوم الدین، ج 1، ص 361.
- [34]. رک: ناصر رفیعی محمدی، همان، ج 2، ص 209 - 238.
- [35]. جلال الدین سیوطی، الاتقان، ج 2، ص 397.
- [36]. سوره ی بقره، آیه ی 2.
- [37]. سوره ی اسراء، آیه ی 9.
- [38]. سوره ی احزاب، آیه ی 46-47.
- [39]. سوره ی یس، آیه ی 38.
- [40]. سوره ی انعام، آیه ی 125.
- [41]. سوره ی رعد، آیه ی 28.
- [42]. سوره ی رحمن، آیه ی 35.
- [43]. رک: محمد علی رضایی اصفهانی، همان، بحث قطعیت علوم بشری و قانون.
- [44]. محمد علی رضایی اصفهانی، پژوهشی در اعجاز علمی قرآن.

ادله ی موافقان تفسیر علمی

دلیل موافقان تفسیر علمی قرآن چیست؟

دکتر رضایی:

برخی با روش استخدام موافق اند و بسیاری از مفسرین و غیرمفسرین، مخالف این روش هستند؛ البته در هر روشی عده ای موافق اند و عده ای مخالف و دلایلی نیز برای موافقت و یا مخالفت دارند؛ ولی مسلماً در تفاسیر امروزی، شیعه و اهل سنت، به دلایلی، از این روش علمی زیاد استفاده می شود؛ حتی شاید بتوان گفت عدم استفاده از آن باعث نقصان در تفسیر می گردد.

دلیل اول کشفیات و یافته های قطعی علمی موجب روشن شدن معنای آیات می شود و این همان چیزی است که در اصطلاح به آن تفسیر گویند. «تفسیر» یعنی تبیین و توضیح مفاد آیات و نیز بیان اهداف خداوند از آنها؛ پس گاهی ناچاریم در بعضی آیات از یافته های علوم تجربی استفاده کنیم تا مفهوم آیه روشن شود؛ مثلاً آیات اول سوره ی حج و سوره ی مؤمنون، مسئله ی مضغه، علقه، مخلقه، غیرمخلقه و مراحلی که جنین در رحم مادر می گذراند را بیان می کند که با مراجعه به یافته های علم پزشکی معنای آنها روشن می گردند.

نتیجه این که، یکی از دلایل موافقان این است که یافته های علوم تجربی می تواند کمکی در روشن تر شدن آیات قرآن باشد. برخی معتقدند حدود 500 تا 1000 آیه، اشاره به علوم تجربی دارد.

قرآن برای همه ی انسان هاست و از جمله مخاطبان اولیه ی آن مسلمانان صدر اسلام بودند که از این یافته های علوم تجربی اطلاعی نداشته اند. آیا آنها واقعاً به روشنی مطالب را نمی فهمیدند؟

دکتر رضایی:

دکتر ذهبی^[1] به این نکته اشاره نموده و آن را جزو دلایل مخالفان تفسیر علمی بیان کرده است و آن این که آیا از 1100 سال قبل تا حال، این مفاهیم تغییر کرده است یا نه؟ ما این دلیل را در ضمن دلایل مخالفان پاسخ خواهیم داد. این که فرمودید «فهم روشنی»، لازمه اش این است که، کسانی که از یافته های تجربی استفاده نکردند فهم روشنی نداشته باشند، در حالی که برخی تعبیر به تبیین دارند؛ به نظر شما کدام یک بهتر و درست است؟

دکتر رضایی:

ما بر سر واژگان بحثی نداریم. آنچه که تفسیر نامیده می شود، تبیین آیات قرآن و روشن کردن مقاصد گوینده است؛ این هنر، از تفسیر علمی نیز برمی آید. تفسیر علمی نیز، همانند تفسیر قرآن به قرآن، موجب روشن شدن معنای آیات می شود. لزوماً این طور نبوده که مخاطبان قرآن در صدر اسلام، همه ی مطالب آن را متوجه شوند؛ زیرا قرآن سطوح مختلف مردم را در نظر می گیرد. گاهی بعضی از آیات خیلی عمیق اند؛ مثلاً در مورد آیات اول سوره ی حدید، (هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ) و نیز سوره ی فاتحه، روایت داریم که این آیات را، مردم آخرالزمان^[2] خواهند فهمید؛ لذا با گذشت زمان و رشد علمی بشر، یک سری تعبیرها و تفسیرهای جدید برای فهم بهتر آیه ها به وجود می آید. مسائل علمی قرآن نیز به همین صورت است. برخی از آیات قرآن اشارات علمی دارد، و تا زمانی که علوم پیش رفت نکند، بشر متوجه این اشارات نمی شود؛ مثلاً این که قرآن می فرماید: «شراب حرام است، چون ضرر آن بیش تر از نفع آن است»^[3] ممکن است کاملاً برای افراد آن زمان مشخص نبوده باشد، ولی امروزه با کشف ضررهای متعدد شراب در زمینه های اجتماعی، پزشکی و روانی، مقصود آیات بهتر روشن می گردد.

دلیل دوم: کشفیات جدید و قانون های ثابت شده ی علمی و یافته های قطعی تجربی می تواند اعجاز علمی قرآن را اثبات کند؛ یعنی یکی از ابعاد اعجاز قرآن، اعجاز علمی آن است. قرآن حدود 1400 سال قبل مطلبی را بیان کرده است که بشر آن روز - با توجه به علوم تجربی خود - نمی توانست آن را بفهمد و بعدها این مطلب کشف شد.

بنابراین، این مطلب نشان می دهد که قرآن معجزه است؛ البته در این زمینه ادعاهای افراطی و نیز استفاده های غلط و مخالف شده است، ولی اصل قضیه صحیح است، هرچند موارد آن کم باشد.

فرهنگ علمی آن زمان به مواردی هم چون نیروی جاذبه،^[4] مسئله ی حرکت خورشید و جریان آن،^[5] حرمت شراب،^[6] زوجیت گیاهان^[7]، مراحل خلقت انسان،^[8] مسئله ی لقاح و آبستن شدن گیاهان و ابرها، و...^[9] نرسیده بود و الآن به آن رسیده اند و این دلیلی بر اعجاز علمی قرآن است.

دلیل سوم: وقتی مخاطب قرآن متوجه شود که قرآن، اشاراتی علمی بالاتر و جلوتر از فکر بشر داشته است، ایمانش به قرآن و اسلام عمیق تر و زیاده تر می شود. ما به وضوح متوجه می شویم که نسل جوان مخاطب قرآن، شیفته ی این نوع تفسیرند. پس باید مواظب باشیم، تا به دام تفسیر به رأی و تحمیل نظریات بر قرآن نیفتیم.

آیا این که در برخی موارد اثبات اعجاز علمی قرآن موجب اشتیاق و ازدیاد ایمان افراد می شود به دلیل قبلی بر نمی گردد؟

دکتر رضایی:

این نتیجه ی همان دلیل قبلی است. طرف داران تفسیر علمی این را یکی از دلایل تفسیر علمی می دانند؛ البته گاهی اعجاز اثبات می شود و گاهی نمی

شود. در مواردی که اعجاز اثبات نمی شود، باز هم شگفتی ها و اشارات علمی قرآن، یک نوع شوق و شادی برای افراد، مخصوصاً برای متخصصین، ایجاد می کند و علاقه ی آنها را به قرآن و دین زیادتیر می کند؛ مثلاً برای پزشک ها نکات پزشکی قرآن گفته می شود.

دلیل چهارم: گاهی نکات علمی قرآن موجب جذب غیرمسلمان ها به طرف قرآن و اسلام می شود؛ پس تلاش در این زمینه، یک نوع ترویج اسلام است؛ چون برخی از افراد این راه را رفته اند و کتاب هایی هم در زمینه ی اشارات علمی قرآن نوشته اند؛ مثلاً دکتر «موریس بوکای» فرانسوی، در کتاب تورات، انجیل، قرآن و علم،^[10] که چندین بار به فارسی و عربی ترجمه شده است، اعجاز علمی قرآن را با تورات و انجیل و علوم روز مقایسه نموده و ایمان خود را به قرآن ابراز کرده است. آیا درست است ما در این زمینه تلاش نکنیم و اعجاز علمی قرآن را بررسی ننماییم؟ ما می توانیم با بیان اعجاز علمی قرآن حقانیت و برتری آن را بر کتاب تورات و انجیل به اثبات برسانیم. ما باید از بُعد علمی قرآن، برای جذب دیگران به طرف اسلام و اثبات حقانیت قرآن و اسلام استفاده کنیم. البته بسیاری از تفاسیر رایج و موجود - چه شیعی و چه سنی - از روش علمی استفاده نموده اند؛ مثل تفسیر نمونه و المیزان.

ادله ی مخالفان تفسیر علمی و نقد آن

دلایل مخالفان روش تفسیر علمی چیست؟

دکتر رضایی:

مشهورترین مخالفان تفسیر علمی، آقای شاطبی،^[11] دکتر ذهبی،^[12] شیخ

محمد شلتوت^[13] و... هستند که دلایل متعددی آورده اند.

دلیل اول: قرآن کتاب هدایت است، پس هدف آن، هدایت بشر به سوی کمال، خدا، و دین است، نه بیان مسائل علمی؛ زیرا اولاً، قرآن، کتاب فیزیک، شیمی و پزشکی نیست، تا این گونه مطالب از آن استخراج شود. در حقیقت تفسیر علمی قرآن، ما را از هدایت معنوی و اخلاقی و اعتقادی باز می‌دارد؛ ثانیاً، این طریق موجب تأویل قرآن به صورت تحمیلی می‌شود که این تأویلات با اعجاز قرآن و ذوق سلیم ناسازگار است؛ ثالثاً، علم، ثبات و قرار و سخن قاطع ندارد؛ چه بسا امروز چیزی ثابت می‌شود و فردا خلاف آن اثبات می‌گردد؛ این موجب ورود خطاهای علوم به قرآن می‌شود و ما در مقام دفاع قرار می‌گیریم.

پاسخ دلیل اول: این حرف درستی است که قرآن کتاب هدایت است، منتها گاهی در راستای همان هدف، قرآن از اشارات علمی استفاده کرده است و این اشارات، انسان را به طرف خدا رهبری می‌کند و هدف اصلی هم نیست.

قبلاً گفته شد که تفسیر علمی سه قسم است: 1. استخراج علوم از قرآن؛ 2. تحمیل نظریات بر قرآن؛ 3. استخدام علوم در فهم بهتر قرآن. اگر کسی بخواهد علوم مختلف را از قرآن استخراج کند و قرآن را کتاب فیزیک، شیمی و پزشکی قرار دهد، کار اشتباهی است و ما نیز با آن مخالفیم. آنچه که ما از آن دفاع می‌کنیم، استخدام علوم در فهم قرآن است.

دلیل دوم: علوم تجربی قطعی نیستند، بلکه نظریه‌هایی تغییرپذیرند که بعد از مدتی از میدان علم خارج می‌شوند؛ لذا به طور قطعی نمی‌توان روی این نظریات حساب باز کرد و قرآن را بر اساس آن تفسیر نمود؛ مثلاً تفسیر قرآن بر اساس هیأت بطلموسی فخر رازی^[14] که از آیه ی شریفه ی «الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فِرَاشًا»^[15] ساکن بودن زمین را استفاده می‌نمود، با هیأت جدید - هیأت

کوپرنیکی و کپلر - نمی سازد؛ زیرا این نظریه و تفسیر دگرگون می شوند؛ بنابراین، تغییرات علوم بر حوزه ی تفسیر قرآن وارد می شود و در حقیقت، قرآن با نظریه های تغییرپذیر و متزلزل تفسیر می گردد و در نتیجه، تضادها و تغییرات علوم در حوزه ی قرآن و تفسیر نیز راه می یابند.

پاسخ دلیل دوم: این که بگوییم علوم تجربی در حال تغییرند، در اصل سخن خوبی است و ما حق نداریم نظریه های علمی را با قرآن تطبیق بدهیم. البته ما تفسیر علمی را به سه نوع تقسیم کردیم و این اشکال به نوع دوم (تحمیل نظریات بر قرآن) وارد است؛ یعنی اگر کسی نظریات اثبات نشده ی علمی را بر قرآن تحمیل کند، این اشکال به آن وارد است؛ اما در جایی که از علوم قطعی استفاده شود، چنانچه به صورت قطع روان شناختی، دیدگاه هایی که به وسیله ی حس تأیید شده اند، یا اجماع دانشمندان بر آن است و با دلایلی عقلی پشتیبانی می شود را به صورت احتمالی به قرآن نسبت دهیم اشکالی بر آن وارد نیست. می دانیم که زوجیت در عالم موجودات مسئله ای قطعی است و ظاهر آیات قرآن^[16] نیز دلالت بر مسئله ی زوجیت می کند، پس احتمالاً قرآن می خواهد همین زوجیت را که امروزه در جهان علم مطرح است برای ما بیان کند. اگر ما نظریه های اثبات نشده ی علمی را بر ظواهر قرآن تحمیل و تطبیق کنیم، این اشکال بر آن وارد است. پس اصل آن را می پذیریم، ولی اگر شیوه ی صحیح تفسیر علمی انجام شود، در این صورت این اشکال وارد نمی شود؛ چون بسیاری از مفسرین علمی به همین اشکال دچار شدند؛ مثل فخر رازی و متأخرین که در 100 ساله ی اخیر زیاد به این دام افتادند؛ ولی این وقتی است که معیارهای صحیح تفسیر علمی رعایت نشود. همان طور که شما در

تفسیر قرآن هم ممکن است به دام تفسیر به رأی بیفتید، این جا هم ممکن است به دام تفسیر به رأی یا تطبیق یا تحمیل بیفتید.

دلیل سوم: تفسیر علمی، منجر به تفسیر به رأی می شود؛ یعنی متخصصان علوم مختلف، با ورود به حوزه ی تفسیر، آیات قرآن را با مسائل علمی تطبیق می کنند و به علت نداشتن تخصص کافی در علوم قرآنی و تفسیری و عدم تشخیص تفاوت نص و ظاهر، یافته های تجربی را به قرآن تحمیل می کنند؛ مثلاً بمب اتم را از آیه ی «و الْمُرْسَلَاتِ عُرْفًا فَالْعَاصِفَاتِ عَصْفًا»^[17] استخراج می کنند،^[18] و یا در سوره ی فیل مقصود از آمدن ابابیل را، بیماری وبا و حصه تلقی می نمایند.^[19] این روش دارای معیارهای تفسیر علمی نیست و موجب می شود تفسیر علمی به تفسیر به رأی و تحمیل نظریات تبدیل شود.

پاسخ دلیل سوم: این دلیل خوب است؛ اما باز این اشکال به روش تفسیر علمی نیست، بلکه اشکال به کسانی است که بدون تخصص وارد این روش شده اند. آنها باید کار خود را زیر نظر افراد خیره انجام دهند تا به تفسیر به رأی منتهی نشود؛ هم چنان که در تفسیر قرآن به قرآن هم اگر افراد غیر متخصص، قرائن عقلی و نقلی را در نظر نگیرند، موجب تفسیر به رأی می شود؛ لکن در حوزه ی تفسیر علمی این مسئله بیش تر بوده است؛ چون متخصصان علوم مختلف - که تخصص در تفسیر قرآن نداشته اند - به صرف علاقه، وارد این حوزه شده و مشکلات بیش تری به وجود آورده اند.

دلیل چهارم: تفسیر علمی منجر به تأویل می شود؛ مثلاً موافقین و مخالفین نظریه ی داروین یا نظریه ی تکامل انسان و حیوانات، آیه ی 59 سوره ی آل عمران و آیه ی 11 سوره ی صافات، را که موافق و مخالف نظریه ی خودشان بوده است، تأویل کرده اند. کسانی که طرف دار نظریه ی داروین بودند، وقتی که

وارد آیات قرآن می شدند، آیاتی را که ظهورشان مخالف نظریه ی داروین بود را تأویل می کردند؛^[20] هم چنین بالعکس.^[21] این هم صحیح است؛ اما این اشکال به مفسر است نه به تفسیر علمی.

دلیل پنجم. تفسیر علمی ذوقی است و معیاری ندارد؛ در حالی که ما تفسیر قرآن به قرآن را دارای معیار می دانیم.^[22] مخالفان تفسیر علمی قایل اند که تفسیر علمی، معانی قرآن را مجاز می کند. ما باید در معنا کردن آیات به صدر اسلام رجوع کنیم؛ در صدر اسلام چیزی به عنوان الکترون و پروتون نداشتیم؛ اما عبدالرزاق^[23] نوفل در آیه ی شریفه ی (خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا...) ^[24] أَنْفُسِكُمْ را به معنای پروتون و أزواجاً را به معنای الکترون گرفته است؛ در حالی که این الفاظ در آن موقع چنین مفاهیمی نداشت و مخاطب چنین چیزی را از آن نمی فهمید.

پاسخ دلیل پنجم: این اشکال در جایی وارد است که ما مفاهیم جدید علمی را بر آیات قرآن تحمیل کنیم؛ اما اگر از قطعیات علوم برای روشن شدن آیه استفاده کنیم، نه تحمیل است و نه تطبیق. در آن زمان علم به الکترون و پروتون وجود نداشته تا ما بخواهیم آن را از آیات قرآن بیرون بکشیم؛ لکن با یافته های جدید پزشکی می توان آیه های اول سوره ی حج و مؤمنون را که در بیان مراحل خلقت جنین است توضیح داد. ما قایلیم که آیه ی شریفه ی (رَفَعَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا)^[25] دلالت بر وجود ستون های نامرئی بین کرات آسمانی دارد. امروزه علم، به این ستون های نامرئی که کرات آسمانی را در حوزه ی هم دیگر نگه می دارد و به درون هم دیگر می چرخاند و مانع خروج آن از مسیر می شود، نیروی جاذبه می گویند. امروزه نیز «عَمَد» به معنای ستون است و به همین معنا، تفسیر و ترجمه می شود؛ لکن یکی از مصادیق آن نیروی

جاذبه است، نه این که به معنای نیروی جاذبه است. البته افرادی مثل عبدالرزاق نوفل و دیگران که در تفسیر علمی به انحراف رفته اند، زیاده روی کرده و خواسته اند مفاهیم را بر قرآن تحمیل کنند.

این عمل درست نیست و موجب مجازیت معانی قرآن می شود و قرآن اصلاً تحمّل چنین چیزی را ندارد؛ بنابراین، تفسیر علمی موجب تبیین و توضیح و یافتن مصادیق تازه ای برای آیه می شود و فهم ما را نسبت به آیه روشن تر می کند.

دلیل ششم: تفسیر علمی موجب می شود که مفسر، نظریات و یافته های مورد نظر خود را بر قرآن تحمیل و تطبیق نماید.

این اشکال به یک قسم از تفسیر علمی وارد است، نه هر سه قسم آن؛ یعنی تحمیل نظریه ها بر قرآن صحیح نیست، اما استخدام علوم در فهم قرآن درست است.

دلیل هفتم: تفسیر علمی موجب مادیگری و انحرافات فکری در سطح جامعه می شود.

البته این اشکال خوبی است، ولی اشکال به تفسیر علمی نیست، بلکه اشکال به مفسرینی است که به انحراف رفته اند.

پی نوشت ها:

- [1]. التفسیر و المفسرون، ج 2، ص 491.
- [2]. حویزی، نورالثقلین، سوره ی حدید، آیه ی 1.
- [3]. إِنْهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا، سوره ی بقره، آیه ی 219.
- [4]. سوره ی رعد، آیه ی 2 و سوره ی لقمان، آیه ی 10.
- [5]. سوره ی یس، آیه ی 38.
- [6]. سوره ی محمد، آیه ی 15.
- [7]. سوره ی یس، آیه ی 36.
- [8]. سوره ی حج، آیه ی 15.
- [9]. سوره ی حجر، آیه ی 22.
- [10]. ترجمه ی مهندس ذبیح الله، تهران، ج 3، ص 338.
- [11]. ر.ک: ابواسحاق شاطبی، الموافقات، چاپ مصطفی.
- [12]. ر.ک: محمد حسین ذهبی، همان.
- [13]. ر.ک: محمد شلتوت، تفسیر القرآن الکریم.
- [14]. فخرالدین رازی، تفسیر کبیر، ذیل آیه ی 22 سوره ی بقره.
- [15]. سوره ی بقره، آیه ی 22.
- [16]. سوره ی یس، آیه ی 36.
- [17]. سوره ی مرسلات، آیه ی 1 و 2.
- [18]. سید قطب، تفسیر فی ظلال قرآن، ج 6، ص 379، جزء 29.
- [19]. محمد عبده، تفسیر جزء عم، ص 161.
- [20]. آیت الله مشکینی، تکامل از دیدگاه قرآن، ص 17.
- [21]. مسیح مهاجری، نظریه ی تکامل از دیدگاه قرآن، ص 54.
- [22]. ر.ک: محمد علی رضایی اصفهانی، درآمدی به تفسیر علمی قرآن، ص 382.
- [23]. عبدالرزاق نوفل، القرآن و العلم الحدیث، ص 156.
- [24]. سوره ی اعراف، آیه ی 189.
- [25]. سوره ی رعد، آیه ی 2.

هدف از مباحث علمی در قرآن

وجود این که قرآن کتاب هدایت است و انبیای الهی نیز برای هدایت انسان ها به سوی معنویت و خداوند آمده اند، می بینیم که بعضی از آیات قرآن کریم به مباحث علمی پرداخته اند؛ هدف از وجود این آیات در قرآن کریم چیست؟
دکتر رضایی:

این سؤال از سؤالات اساسی در روش تفسیر علمی است. درباره ی اهداف آیات و مسائل علمی قرآن، سه تصور می توان نمود:

1. هدف اصلی قرآن، بیان مسائل علمی آن است و همه ی علوم و معارف بشری در قرآن وجود دارد؛ همان طور که قرآن می فرماید:

(نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ)^[1]؛ قرآن بیان کننده همه چیز است.

2. هدف اصلی قرآن هدایت بشر است، اما در راستای این هدف می توان از اشارات علمی نیز استفاده نمود؛ بدین صورت که پیامبر ﷺ می فرماید: «تَبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ» است، اما قرینه ی لُبّی دارد که اگر یک پزشک گفت من یک کتاب آورده ام که همه چیز در آن است، مقصود از همه چیز، مربوط به پزشکی است. پیامبر اسلام ﷺ وقتی که طبق آیه ی شریفه می فرمود: خداوند قرآنی بر ما نازل کرده که بیان کننده ی همه چیز است، مرادش بیان همه ی چیزهایی است که مربوط به دین، در راستای هدف قرآن و هدایت بشر می باشد. استفاده از آیات علمی نیز در راستای همین هدف است؛ مثلاً در آیه ی (اللَّهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى)^[2] مسائل مختلفی را مطرح می کند؛ بعد در آیه ی «وَهُوَ الَّذِي مَدَّ الْأَرْضَ»^[3] مسائل مربوط به این که آسمان ها را بدون ستون

برافراشتیم که عده ای به نیروی جاذبه حمل کردند و نیز مسئله ی حرکت خورشید و ماه، مسئله ی زمین و کوه ها را مطرح می کند و بعد می فرماید:

(إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ) [4]

این ها برای این است که شما تفکر کنید، از نشانه های حضرت حق به وجودش پی ببرید.

پس اشارات علمی قرآن، در راستای هدف اصلی هدایت بشر به سوی خدا، دین و قیامت است؛ هم چنین در آیه ی دیگر می فرماید:

(لَعَلَّكُمْ بِلِقَاءِ رَبِّكُمْ تُوقِنُونَ)؛ [5] این نشان ها برای این است که شما به لقاء پروردگارتان در قیامت ایمان پیدا کنید.

3. اشارات علمی قرآن به نحو سمبلیک و بر اساس فرهنگ زمان مطرح شده است. در قرآن این اشارات علمی، حالت معرفت شناختی یا حالت سمبلیک دارد و ناظر به عالم خارج نیست.

به عقیده ی ما این دیدگاه صحیح نیست؛ زیرا اگر قرآن صحبت از علم می کند، در حقیقت قصد گسترش معرفت بشر و توضیح خارج و واقعیت خارجی را دارد، در حدی که پیش گویی های علمی اش، اعجاز علمی به شمار می آید. پس در حقیقت، هدف اصلی قرآن هدایت بشر است و باید از اشارات علمی قرآن استفاده کرد.

اهداف و فواید وجودی آیات علمی قرآن چیست؟

دکتر رفیعی:

آقای رضایی مطالب را از سه منظر مطرح کردند که من سعی می کنم کمی آن مطالب را باز کنم. بدون تردید، تعدادی از آیات قرآن کریم، به طور مستقیم یا ضمنی، متضمن مباحث علمی است. وقتی این آیات در کنار سایر آیات قرار

گیرد، یقیناً مباحث علمی مطلوب بالذات قرآن نیست، بلکه هدف دیگری را دنبال می کند. با یک تقسیم بندی می توان اهداف آیات علمی در قرآن را به دو بخش تقسیم نمود:

الف) اهداف اصلی؛ ب) اهداف فرعی. آقای دکتر رضایی، هدایت را جنبه ی اصلی گرفتند، در حالی که می توان آن را به موضوعات فرعی تقسیم کرد. شاید بتوان سه هدف را در مورد آیات الهی بیان کرد.

هدف اول و اصلی از آیات علمی در قرآن کریم - که در این هدف، سایر آیات علمی مشترک اند؛ مثل آیات فقهی و آیات اخلاقی - اثبات وجود خدای متعال و توحید است.^[6] بسیاری از مباحث علمی وقتی در قرآن مطرح می شوند، در پایان این نکته را تذکر می دهند که پس آفریننده ی این ها کیست؟ ببینید که موجد این ها کیست؟ آیا دست بشر می تواند در آن دخالت کند؟ به عنوان مثال، در سوره ی مبارکه ی آل عمران می فرماید:

(إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ).^[7]

نقل شده است که رسول خدا این آیات را، مخصوصاً در شب، زیاد می خواند و گاهی هم می فرمود:

(وَيْلٌ لِّمَنْ قَرَأَهَا وَ لَمْ يَتَفَكَّرْ فِيهَا)؛ وای بر کسانی که این پنج آیه را بخوانند (91 تا 95 آل عمران) و در آن تفکر نکنند.

میشم تمار نیز نقل می کند:

می دیدم مولایم علی عَلَيْهِ السَّلَامُ شب هایی به آسمان نگاه می کرد و این پنج آیه را می خواند و اشک می ریخت.

قرآن کریم بعد از این که به آسمان ها و زمین و اختلاف شب و روز اشاره می کند، می فرماید: (رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا) این برای پی بردن به باطل نبودن آفرینش است. از آیه ی (سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ) پی می بریم که چه کسی آفرینش را ایجاد کرده است. سوره ای در قرآن یافت نمی شود - به خصوص سوره های مکی - مگر این که در آن به عالم هستی و تأمل در نظم و خلقت اشاره یا تصریحی شده است، تا عقل بشر را برای تفکر در خلقت الهی تحریک کند؛ آن گاه از مخلوق به خالق، از طبیعت به ایجاد کننده ی آن، از مسبب به سبب و از مصنوع به صانع پی ببرد. خدای متعال فکر بشر را به سوی دقیق ترین، عظیم ترین، کوچک ترین و بزرگ ترین امور هستی فرا می خواند و این، آن چیزی بود که اعراب (صدر اسلام) به فطرت سلیم اعتراف کردند.^[8]

هدف دوّم: که باز هم یکی از اهداف اصلی است این است که آیات علمی برای اثبات معاد و هدف دار بودن خلقت آمده اند؛ مثل آیه:

(فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ خُلِقَ مِنْ مَّاءٍ دَافِقٍ يُخْرُجُ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ وَالتَّرَائِبِ إِنَّهُ عَلَى رَجْعِهِ لَقَادِرٌ) ^[9]

که بعد از مطرح کردن بحث آفرینش، می فرماید: «خداوند به بازگردانیدن همه ی آفرینش قادر است»؛ یعنی بحث معاد را از آن نتیجه می گیرد.

(كَيْفَ تَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَكُنْتُمْ أَمْوَاتًا فَأَحْيَاكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ) ^[10] چگونه شما به خدا کفر می ورزید؛ همان طور که شما را به این جهان آورد، مجدداً شما را از قیامت یا پس از برزخ بر می گرداند.

هدف سوم این که، آیات علمی در ردّ عقیده ی کفار و مشرکان و ماده پرستان است؛ کسانی که می گفتند که هر چه هست همین دنیاست. (مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا)؛ ^[11] چیزی جز این دنیا نیست. (وَمَا يَهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ)؛ ^[12]

همین روزگار است که ما را می میراند. بخشی از آیات علمی، به تحقیر این عقیده ی مشرکان پرداخته، می فرماید:

شما جمع بشوید می توانید حتی یک مگس را بیافرینید؟ شما فکر کنید و بیندیشید آیا می توانید شبیه آن را ایجاد کنید؟^[13]

خلاصه این که، اهداف آیات علمی قرآن به دو بخش تقسیم شد: اهداف اصلی و اهداف فرعی. در اهداف اصلی سه هدف (توحید معاد و رد تحقیر کفار و مشرکین) مطرح شد. (البته می توان هر سه عنوان را در یک عنوان کلی مثل هدایت گرفت؛ یعنی هدایت به خداوند، به معاد، به ماوراء الطبیعه). در بخش اهداف فرعی نیز می توان یک هدف را توجه بشر به بعد علمی اش دانست. خداوند در قرآن کریم گله می کند و می فرماید:

(وَكَأَيُّنَ مِنْ آيَةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ)؛ چه نشانه هایی در آسمان و زمین است! (يَمُرُّونَ عَلَيْهَا)؛ بعضی از کنارش رد می شوند (وَهُمْ عَنْهَا مُعْرِضُونَ)؛ و حال آن که آنها از آن روی برمی گردانند.^[14]

منظور از توجه در آیه ی (أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبْلِ كَيْفَ خُلِقَتْ)^[15] نگاه ظاهری به شتر نیست، بلکه خرد شدن و دقت در مباحث علمی است؛ یعنی این موضوع دارای چه ویژگی ای است که خداوند در قرآن به نظر و تفکر و تأمل در آن توجه می دهد. پس یک هدف فرعی، توجه به جنبه های علمی، برای پی بردن به آن است؛ یعنی جنبه های علمی، طریقی برای هدف اصلی است. وقتی قرآن کریم به یک نکته ی علمی اشاره می کند و یا وقتی که پیامبر گرامی اسلام ﷺ گله می کند و می گوید: (وَيْلٌ لِمَنْ قَرَأَهَا وَلَمْ يُتَفَكَّرْ فِيهَا)؛ وای بر کسانی که آیات سوره ی آل عمران را بخوانند و تفکر نکنند»، منظور از تفکر چیست؟ پی بردن به بعد علمی آیه یک هدف است. هدف فرعی دیگر، بحث

اعجاز است. وقتی که قرآن کریم می فرماید: ده سوره مثل این قرآن بیاورید،^[16] و در جای دیگر می فرماید: یک سوره بیاورید،^[17] لازمه اش این است که این قرآن مشتمل بر جنبه های مختلف اعجاز است، یکی از آنها اعجاز علمی است که بزرگان و علما ذکر کرده اند.^[18]

پس می توان گفت اهداف اصلی آیات علمی قرآن، توحید، معاد، توجه به ماوراء الطبیعه و نفی عقیده ی مشرکان، و اهداف فرعی آیات - که کمک به اهداف اصلی است - شامل بررسی آیات، تطبیق آن ها بر یافته های علمی و یقینیات و پی بردن به اعجاز علمی قرآن می شود.

دکتر رضایی:

یکی از فواید اشارات علمی قرآن، توجه بیش تر انسان به طبیعت است. وقتی که قرآن می فرماید: (أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبْلِ كَيْفَ خُلِقَتْ)^[19] انسان را به طبیعت، بر خلقت خودش و به جنینی که در شکم مادر است توجه می دهد. این باعث دقت بیش تر مسلمانان در این مسائل و رشد علوم تجربی در بین آنان می شود. شاید بسیاری از مسائل علمی قرآن، موجب انگیزه ای در مسلمانان برای شناخت بهتر حیوانات و دیگر موجودات شدند؛ مثلاً علم پزشکی، مسئله ی نجوم و مسائل کیهان شناسی در بین مسلمانان بسیار رشد نمودند.

موضوع آیات علمی قرآن

آیات قرآن به موضوعات مختلفی پرداخته است؛ محورهای اصلی این آیات چه طور ترسیم شده است؟ آیا تقسیم بر اساس موضوعات مختلف است یا چیز دیگر؟

دکتر رضایی:

در بخش آیات علمی قرآن بین 500 تا 700 آیه را بر شمرده اند که به مسائل علمی اشاره دارند؛ لکن در بعضی از این آیات اختلاف است؛ زیرا در این آیات، محورهای مختلفی وجود دارد. به نظر من بر اساس موضوع آیات می توان آنها را به محورهای مختلف تقسیم نمود؛ مثلاً بعضی از آیات قرآن، مربوط به جهان و کل هستی، آسمان ها و پیدایش آسمان هاست و بعضی در مورد این که در آستانه ی قیامت چه اتفاقاتی در جهان خواهد افتاد. قرآن به نکات ریز علمی ای که امروز در مسائل کیهان شناسی مطرح است و در مورد پیشینه و فرجام جهان، به مسئله ی زمین و کرویت زمین، مسئله ی جاذبه ی زمین؛ در خصوص انسان (خلقت، مراحل جنین، عجایب وجود انسان و غذاهای مورد استفاده ی انسان)، در اثبات یک مسئله مثل زوجیت گیاهان^[20] غذاهای حرام،^[21] غذاهای نجس^[22]، مسئله ی بهداشت و نیز در مورد عسل به عنوان شفا^[23] و گاهی به کوه ها پرداخته است:

(وَتَرَى الْجِبَالَ تَحْسِبُهَا جَمْدَةً وَ هِيَ تَمُرٌّ مَرَّ السَّحَابِ؛)^[24] کوه ها را می بینید فکر می کنید که ایستاده است، در حالی که مثل ابر در حال حرکت هستند.

دکتر رفیعی:

در تعداد آیات علمی قرآن اختلاف است و تا هزار آیه هم ذکر شده است. در گذشته، بیش ترین آیات علمی مورد توجه، آیات مربوط به هیأت و نجوم^[25] بود. آیات علمی قرآن را می توان به دو بخش تقسیم نمود:

1. آیات هستی شناختی و طبیعت شناختی؛ 2. آیات زیست شناختی. مقصود از آیات هستی شناختی و طبیعت شناختی آیاتی است که درباره ی مظاهر هستی و طبیعت اند. بخش عمده ای از آیات علمی به بحث هستی شناسی و

طبیعت شناسی مربوط اند که محورهای آنها درباره ی آسمان و زمین در موارد زیر می باشد:

[26] آفرینش آسمان ها و زمین،

[27] ماده ی اصلی آسمان،

[28] بالا بردن آسمان بدون ستون،

[29] گسترش آسمان ها،

[30] فقدان اکسیژن در ارتفاعات،

[31] بنای آسمان در نهایت استحکام،

[32] موجودات زنده در آسمان ها،

[33] کرویت زمین،

[34] وجود گازها در مورد زمین،

[35] دوران آفرینش زمین،

[36] نقصان زمین،

[37] حرکت زمین و خورشید،

[38] وجود مواد سنگین در درون زمین،

[39] تغییر آسمان و زمین و فنای آن.

هم چنین موارد دیگر هستی شناسی عبارت است از:

[40] ماه، [41] کوه ها، [42] ابر و باران، [43] باد و دریاها. [44]

2. بخش علوم زیست شناسی است که این ها نیز چند دسته اند: گیاهان، [45]

حیوانات، [46] انسان [47] و مباحث و آیات طبی. [48]

پی نوشت ها:

- [1] .سوره ی نمل، آیه ی 89.
- [2] .سوره ی رعد، آیه ی 2.
- [3] .سوره ی رعد، آیه ی 3.
- [4] .سوره ی رعد، آیه ی 3.
- [5] .سوره ی رعد، آیه ی 2.
- [6] . عبدالله شحاته، تفسیر الایات الکونیه، ص 30.
- [7] .سوره ی آل عمران، آیه ی 190.
- [8] . عبدالله شحاته، همان، ص 30.
- [9] .سوره ی طارق، آیه ی 5-8.
- [10] .سوره ی بقره، آیه ی 28.
- [11] .سوره ی جائیه، آیه ی 24.
- [12] . همان.
- [13] .سوره ی حج، آیه ی 73.
- [14] .سوره ی یوسف، آیه ی 105.
- [15] .سوره ی غاشیه، آیه ی 17.
- [16] .سوره ی هود، آیه ی 13.
- [17] .سوره ی بقره، آیه ی 23.
- [18] . کتب فراوانی در زمینه ی جنبه های اعجاز قرآن تألیف شده است؛ از جمله: اعجاز بیانی از نظر فصاحت و بلاغت؛ اعجاز از نظر اشتمال بر معارف الهی؛ اعجاز از نظر فقدان اختلاف در آن؛ اعجاز از نظر قانون گذاری؛ اعجاز در اخبار از غیب؛ اعجاز در تبیین فلسفی هستی؛ اعجاز از بیان اخبار و تاریخ گذشتگان؛ اعجاز از نظر ایجاز و اطناب؛ اعجاز در بیان اخبار علمی و اسرار هستی.
- [19] .سوره ی غاشیه، آیه ی 17.
- [20] .سوره ی نمل، آیه ی 89.
- [21] .سوره ی یس، آیه ی 36.
- [22] .سوره ی مائده، آیه ی 3.

- [23] . سورة ی نحل، آیه ی 66.
- [24] . سورة ی نحل، آیه ی 69.
- [25] . حافظ ابراهیم، الاشارات العلمیه فی القرآن الکریم، ص 5. و ابو حامد غزالی، احیاء العلوم، ج 1، ص 289.
- [26] . سورة ی سجده، آیه ی 4؛ سورة ی فصلت، آیه ی 11؛ سورة ی رعد، آیه ی 2 و سورة ی ق، آیه ی 6.
- [27] . سورة ی فصلت، آیه ی 11.
- [28] . سورة ی رعد، آیه ی 2.
- [29] . سورة ی ذاریات، آیه ی 47.
- [30] . سورة ی انعام، آیه ی 125.
- [31] . سورة ی ق، آیه ی 6.
- [32] . سورة ی شوری، آیه ی 29.
- [33] . سورة ی زمر، آیه ی 5.
- [34] . سورة ی نازعات، آیه ی 30.
- [35] . سورة ی فصلت، آیه ی 109.
- [36] . سورة ی رعد، آیه ی 41.
- [37] . سورة ی نمل، آیه ی 88.
- [38] . سورة ی زلزال، آیه ی 1 - 2.
- [39] . سورة ی ابراهیم، آیه ی 48.
- [40] . سورة ی ابراهیم، آیه ی 33؛ سورة ی یونس، آیه ی 5 و سورة ی نمل، آیه ی 12.
- [41] . سورة ی سباء، آیه ی 7 و سورة ی مرسلات، آیه ی 28.
- [42] . سورة ی مؤمنون، آیه ی 18.
- [43] . سورة ی حجر، آیه ی 22.
- [44] . سورة ی نمل، آیه ی 14 و سورة ی فرقان، آیه ی 53.
- [45] . سورة ی طه، آیه ی 53؛ سورة ی رعد، آیه ی 4؛ سورة ی یس، آیه ی 80؛ سورة ی یس، آیات 33 - 35؛ سورة ی نمل، آیه ی 60 و سورة ی انعام، آیه ی 99.
- [46] . سورة ی نحل، آیات 5 - 8؛ سورة ی مؤمنون، آیه ی 22؛ سورة ی نمل، آیه ی 66؛ سورة ی ملک، آیه ی 19؛ سورة ی نمل، آیه ی 68 و سورة ی نمل، آیه ی 99.

[47] . سوره ی مریم، آیه ی 28؛ سوره ی طارق، آیه ی 5. سوره ی مؤمنون، آیه ی 14؛
سوره ی قیامت، آیه ی 3.

[48] . سوره ی اعراف، آیه ی 31؛ سوره ی بقره، آیه ی 233؛ سوره ی مائده، آیه ی 3 و
سوره ی مریم، آیه ی 25.

معنای اعجاز علمی

اعجاز علمی به چه معناست؟ آیا قرآن کریم علاوه بر این که از نظر اعجاز ابعاد مختلفی دارد، از نظر علمی هم دارای اعجاز است یا نه؟ آیا کسی منکر این بعد از اعجاز قرآن می باشد؟

دکتر رضایی:

قرآن کریم در آیات متعددی در رابطه با اعجاز علمی قرآن و رابطه ی آن با تفسیر علمی مردم را به مبارزه می طلبد و به اصطلاح «تحدی» می کند؛ هم چنان که می فرماید:

(وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ) [1] اگر شما بر آنچه به پیامبر اسلام نازل کرده ایم شک می کنید، یک سوره مثل آن بیاورید. برخی از مفسرین [2] معتقدند که این یک دعوت عام و شامل ابعاد گوناگونی است؛ یعنی همان طور که قرآن کریم از نظر فصاحت و بلاغت و بیان قوانین معجزه است، از لحاظ مسائل علمی و رازگویی های علمی نیز معجزه است. قرآن از زوجیت عام [3] سخن می گوید (همه چیز به صورت زوج است) در صدر اسلام کسی از این مطلب اطلاعی نداشت، هر چند که در مورد زوجیت گیاهان مطالبی می دانستند؛ و این نشانه ی رازگویی و اعجاز قرآن است که چند قرن بعد، این مطلب کشف شده است. قرآن می فرماید:

ما از هر چیزی زوج آفریدیم. [4]

نکته این که، بعضی از موارد تفاسیر علمی، منتهی به اعجاز علمی قرآن می شود. اعجاز علمی یعنی اولاً، آیه گزاره یا مطلب علمی ای را در مورد مسائل طبیعت بیان کند (مثل: آسمان ها، زمین، گیاهان و روابط پدیده های طبیعی)؛

ثانیاً، رازآگین باشد، یعنی در زمان صدر اسلام کسی از آن اطلاعی نداشته باشد؛ پس اگر چیزی با این دو خصوصیت باشد، اعجاز علمی قرآن نامیده می شود.^[5]

معیار تشخیص اعجاز علمی

دلایل و ملاک های تشخیص آیات اعجاز علمی چیست؟

دکتر رضایی:

همان مواردی که در بحث تفسیر علمی بیان کردیم، در این جا نیز وجود دارد؛ یعنی هر اعجاز علمی ای ناچاراً نوعی تفسیر علمی نیز هست. در این جا بسیاری از شرایط تفسیر علمی رعایت نشده است؛ علاوه بر آن، بعضی از مطالبی را که اعجاز دانسته اند اعجاز نیستند؛ مثل حرکت زمین.^[6] در یونان قبل از اسلام، نظریه هایی در مورد حرکت زمین وجود داشته است، همان طور که در هیأت بَطْلَمِیوسی، سکون و مرکزیت زمین مطرح بوده است؛ لذا نمی توان آن را اعجاز دانست. چیزی اعجاز علمی است که قبل از اسلام سخنی از آن گفته نشده، یا کسی از آن اطلاع نداشته و بعدها کشف شده باشد؛ مانند نیروی جاذبه که از این آیه به دست آمد:

(رَفَعَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا) خداوند آسمان ها را با ستون هایی که

دیدنی نیست، آفرید.

یکی از مصادیق آیه را می توان نیروی جاذبه گرفت؛ زیرا ما این آیه را ناظر بر مطلب علمی می دانیم که قرن ها بعد از ظهور اسلام کشف شده است، پس این آیه یک اعجاز و رازگویی قرآن است.

با توجه به این که در صدر اسلام ارتباطات به این نحو نبوده است، یعنی اگر مطلبی در یونان کشف می شد، شاید به عربستان نمی رسید و برای آنان کشف نمی شد، و این که قرآن توسط یک فرد امّی آورده شده است، آیا می توان

ضمیر در «من مثله» را به پیامبر ﷺ برگرداند و این آیه را جزء آیات اعجاز علمی قرار داد؟

دکتر رضایی:

اگر اثبات شود که مثلاً علم به حرکت زمین از یونان به عربستان منتقل نشده، این ادعا صحیح است و آیه اعجاز علمی است؛ لکن اگر کسی به عنوان مخالف ادعا نماید که احتمال دارد این سخنان توسط کاروان های تجاری ای که به شام رفت و آمد داشته اند به گوش پیامبر ﷺ رسیده و ایشان نیز آن را بیان کرده اند، این مورد اعجاز علمی را از بین می برد؛ اما مواردی را که یقیناً قبل از اسلام مطرح نشده و به عربستان نرسیده است، می توان اعجاز علمی قرآن دانست.

در مورد ضمیر «مثله» نیز مفسران احتمال داده اند که به قرآن یا به پیامبر ﷺ برگردد؛ ولی آن، بُعد دیگر اعجاز است که معارف بلند از فردی اُمّی صادر شود.

با توجه به این بیان که اعجاز قرآن، یعنی آنچه که قرآن فرموده است، در آن زمان مطرح نبوده، نمی توان نتیجه گرفت که با کشف تدریجی مباحث علمی، در آینده بگوییم قرآن اعجاز علمی ندارد؟

دکتر رضایی:

اعجاز علمی هر موضوع، با توجه به تاریخ کشف علمی و تاریخ نزولی قرآن است؛ یعنی اگر قرآن هزار و چهار صد سال قبل، از نیروی جاذبه ای سخن گفت که نبوتن در قرن هفدهم کشف کرد، این اعجاز همیشه معجزه است و کهنه و تمام نمی شود. هر کشف تازه ای نیز همین گونه است.

قبل از کشف جاذبه ی نیوتن، این مسئله، از طرف قرآن توسط پیامبر ﷺ اعلان شده بود، که این اعجاز قرآن را اثبات می کند و لازم نیست که این عدم اطلاع از جاذبه ی نیوتن، بعد از نیوتن هم استمرار داشته باشد.
دکتر رفیعی:

قرآن کریم در سه مرحله تحدّی (به مبارزه طلبیدن) کرده است:

1. ابتدا همگان را به آوردن کتابی به مانند قرآن دعوت می کند؛^[7]
2. در بخشی دیگر همگان را به آوردن «ده» سوره مثل قرآن دعوت می کند؛^[8]

3. در نهایت از مردم می خواهد که «یک سوره به مانند قرآن بیاورید.»^[9]
از قدیم، این بحث بین دانشمندان علوم قرآنی مطرح بوده است که آوردن یک سوره مثل قرآن، از چه جهت است؛ فقط از جهت بلاغت و فصاحت است، یا سایر وجوه را هم در خود جای می دهد؟

اعجاز علمی، یعنی آنچه که قبلاً در نقطه ای از جهان مطرح نشده باشد؛ یکی از موارد اعجاز قرآن را اشتمال بر تاریخ گذشتگان می دانیم؛ مانند داستان حضرت یوسف علیه السلام^[10] و حضرت موسی علیه السلام^[11] که یقیناً این داستان ها در گذشته، در تورات و انجیل، و بین مردم، معروف و مطرح بوده است.

ما باید در این جا یک اصول مبنایی را قبول کنیم، سپس وارد بحث اعجاز علمی و رابطه ی آن با تفسیر علمی شویم، و آن اصل مبنایی عبارت است از این که قرآن از جانب خدا بر یک شخص اُمّی که خواندن و نوشتن نمی دانسته، نازل شده است. وقتی این اصل را مسلم گرفتیم، رابطه ی تفسیر علمی با اعجاز علمی روشن می گردد و آن این که، کلیه ی آیاتی که بیان کننده ی مطالب و اخبار و گزاره های علوم تجربی است - که در حال حاضر، یا در آن زمان، هیچ مطرح نبوده یا به صورت کم رنگ و غلط در جای دیگر مطرح بوده است -

توسط رسول گرامی اسلام، در قالب آیاتی که بر او نازل گردیده، مطرح شده است.

مرحوم آیه الله خویی (ره) در مورد اعجاز قرآن می فرماید:
قرآن در آیات زیادی، از قوانین هستی و رموز طبیعت، اجرام آسمانی و موضوعات دیگر، بحث های زیادی نموده است؛ به طور مسلّم، اطلاع از چنین سُنن و قوانین، جز از طریق وحی امکان نداشت.^[12]

پی نوشت ها:

- [1] . سوره ی بقره، آیه ی 23.
- [2] . ابولقاسم خوئی، مرزهای اعجاز، ترجمه ی جعفر سبحانی، ص 115.
- [3] . سوره ی یس، آیه ی 36.
- [4] . سوره ی زخرف، آیه ی 12.
- [5] . محمد علی رضایی اصفهانی، پژوهشی در اعجاز علمی قرآن.
- [6] . سوره ی نمل، آیه ی 88.
- [7] . سوره ی طور، آیه ی 34.
- [8] . سوره ی هود، آیه ی 13.
- [9] . سوره ی بقره، آیه ی 23.
- [10] . سوره ی یوسف، آیات 4، 7، 9، 10، 11، 17، 29.
- [11] . سوره ی بقره، آیه ی 50 - 248.
- [12] . البیان، ص 72.

ادله ی منکرین آیات علمی

نظر کسانی که منکر وجود آیات علمی در قرآن اند، در این زمینه چیست؟

دکتر رضایی:

آنها عمدتاً چهار اشکال آورده اند:

1. مطالب علمی ثابت می کند که قرآن از طرف خدا نازل شده است؛ اما معجزه ی قرآن را ثابت نمی کند؛
2. در تمام سوره های قرآن اعجاز علمی وجود ندارد، در حالی که باید اعجاز در تمام سوره ها باشد؛
3. اعجاز علمی، مخصوص اهل علم و اهل تخصص است و افراد عادی این مطلب را متوجه نمی شوند؛
4. این مطلب با مبحث تفسیر علمی قرآن مخلوط شده است.^[1]

پاسخ اشکال اول: قرآن کریم با تورات و انجیل فرق دارد؛ تورات، انجیل و قرآن از طرف خدا نازل شده اند؛ لکن قرآن معجزه است، ولی تورات و انجیل معجزه نیستند؛ به عبارت دیگر، قرآن دو چیز را اثبات می کند: 1. قرآن کلامی الهی است؛ 2. قرآن معجزه ی پیامبر اسلام ﷺ است؛ یعنی اگر کسانی می توانستند مثل تورات و انجیل، بیان و آیه ای بیاورند. لکن همانند قرآن نمی توانند بیاورند. پس قرآن رازگویی های علمی دارد که کسی نمی تواند در طول زمان مثل آن را بیاورد.

منظور شما تورات و انجیل تحریف شده است یا تورات و انجیل اصیل؟ به نظر می رسد، همین که تورات و انجیل اصیل، کلام الهی بوده است و خداوند نیاز دانسته است که آن را برای بشر بیان نماید دلیل بر این است که خود بشر نمی توانسته به آن برسد، نظر شما در این زمینه چیست؟

دکتر رضایی:

در این جا دو مطلب وجود دارد:

1. گاهی گفته می شود که مثلاً عقل عادی بشر به چند فرمان تورات نمی

رسد؛

2. گاهی گفته می شود که در تورات، رازگویی های علمی ای که هنوز کشف نشده است وجود دارد و آنها اعجاز ند. ما قایل ایم که قرآن کریم، دارای چنین مطالب علمی و نیز فصاحت و بلاغت است؛ هم چنان که خود قرآن این ادعا را دارد و دیگران را به مبارزه می طلبد، ولی تورات و انجیل فعلی این گونه نیستند.

پاسخ اشکال دوّم: در اشکال دوّم گفته اند که مطالب اعجاز علمی در همه ی سوره ها نیست، در حالی که «تحدی» قرآن در مورد تمام سوره های قرآن است. باید گفت که در مورد همه ی ابعاد اعجاز قرآن این نکته وجود دارد؛ مثلاً آیا در تمام سوره های قرآن، در مورد اخبار غیبی و یا قوانین عالی و محتوای عالی قرآن که جزء وجوه اعجاز قرآن است، مطالبی وجود دارد؟ در پاسخ می گوئیم: خیر، بسیاری از مطالبی که در وجوه اعجاز قرآن گفته شده است، همانند مسئله ی اعجاز علمی، در همه ی سوره ها نیست؛ پس اعجاز علمی با کل قرآن سنجیده و اعلام می شود.

جوابی که داده شد جوابی نقضی است، به نظر می رسد جواب دیگری نیز می توان داد و آن این که وقتی ما می گوئیم قرآن از این ابعاد معجزه است، یعنی مجموع قرآن دارای اعجاز است؛ نظر شما چیست؟

دکتر رضایی:

ممکن است بعضی از نکات علمی قرآن هنوز کشف نشده باشند و بعدها کشف شوند؛ از طرف دیگر، لازم نیست که وجوه اعجاز در تمام سوره ها باشد؛ زیرا همان طوری که گفته شد، بعضی از احکام و قوانین غیبی و عالی در تمام سوره ها نیست؛ بنابراین، در بحث اعجاز علمی، قرآن در مجموع معجزه است. پاسخ اشکال سوم: در اشکال سوم مطرح نمودند که اعجاز مخصوص اهل علم و متخصصان است و ممکن است مردم عادی، متوجه این مطلب نشوند. این مطلب ممکن است در مورد بقیه ی وجوه اعجاز قرآن نیز گفته شود؛ مثلاً آیا فصاحت و بلاغت قرآن را که یکی از اصلی ترین مباحث اعجاز قرآن است، تمام بشر متوجه می شوند؟ جواب منفی است؛ شخص باید ادیب باشد تا فصاحت و بلاغت قرآن را متوجه شود. بحث اعجاز علمی قرآن نیز همین طور است.

پاسخ اشکال چهارم: اما اشکال چهارمی که مطرح کردند این که ممکن است تفسیر علمی با اعجاز علمی مخلوط شود. اگر چه این خلط ممکن است، لکن باید توجه نمود که بحث اعجاز از بحث تفسیر علمی جدا شود؛ زیرا هدف تفسیر علمی، روشن کردن مقاصد و معانی آیات قرآن است؛ هر چند ممکن است گاهی یکی از اهداف تفسیر علمی هم، اثبات اعجاز علمی قرآن باشد.

عدم استقبال از تفسیر علمی طنطاوی

به چه دلیل تفسیر طنطاوی مورد استقبال واقعی قرار نگرفته است؟

دکتر رفیعی:

طنطاوی از دانشمندان قرن سیزدهم هجری در مصر است. در تفسیر الجواهر - که بیست و شش جلد است - و در کتاب القرآن و العلوم العصرية، مطالب علمی زیادی را مطرح کرده است. اولاً ایشان در این تفسیر، علم زده و منفعل

واقع شده و به نظر خودش، با نیت خیر کار خود را آغاز کرده و قایل است که مسلمانان باید برای دفاع از قرآن و اسلام در مقابل تمدن مهاجم غرب به علوم جدید مسلح شوند؛ لکن به حدی شأن علوم طبیعی را بالا برده است که در مقدمه ی تفسیر جواهر می گوید:

علوم طبیعی، همان علم توحید، همان علم دین، همان حب خداوند، رسیدن به خدا، پیش رفت ملت ها و دوستی خداوند، خشیت از او، ترقی ملت ها در دنیا، برتری آنها در آخرت از نظر مقام، رسیدن به لقاءالله، بهره برداری از نظر وجه الهی است و رسیدن به تمام این ها با این علوم امکان پذیر نیست.^[2]

به قول ذَهَبی:

تفسیر طنطاوی بیش از آن که مورد قبول واقع شود، مورد نقد و خشم و اعتراض واقع شد.^[3]

و به تعبیر دکتر «فهد رومی»:

طنطاوی در این تفسیرش، تصاویر فراوانی از افلاک، سیارات، خورشید، ماه، آب ها، درختان، حشرات، ماهی ها، گیاهان، اجزای بدن انسان، جدول های ریاضی، شیمی، فیزیک، فلکی و نقشه های جغرافیایی را می کشد و بیش از آن که متوجه این باشد که مراد آیه را بیان کند، استشهادش به همین مسائل، یعنی تصاویر و جدول های کتاب هزار و یک شب و کلیله و دمنه و جمهوریت اخوان الصفا و مطالب انجیل و تورات، و... بیش از آن چیزی است که از خود آیات استفاده می شود.^[4]

به قول یکی از نویسندگان معاصر که می گوید:

اگر چه نگارش طنطاوی، علمی و علم آلود است، ولی نگرش طنطاوی علمی نیست. طنطاوی، در این تفسیر، آنچه که باید در تبیین آیات علمی داشته باشد،

افراط نموده و این تفسیر را از مطالبی پر کرده که بعضاً شبه علمی است و نمی توان آنها را علمی خواند، دلیل مخالفان هم ممکن است همین باشد.^[5]

ذهبی می گوید:

الجواهر، دایرة المعارف علمی است که در آن از هر علم و فنی، به مقدار زیاد سخن گفته شده است.

و در جای دیگر می گوید:

همه چیز، غیر از تفسیر، در آن می باشد.^[6]

بنده تحت چند عنوان، ویژگی های تفسیر طنطاوی را بر می شمارم:

1. تکیه ی بیش از حد بر علوم تجربی، علم زدگی و ثابت پنداشتن فرضیه های علمی.

در تفسیر حروف مقطعه ی قرآن مطالبی دارد که اصلاً نمی توان از قرآن دلیل بسیار قوی برای آن یافت؛ مثلاً در تفسیر سوره ی مبارکه ی «طه» می گوید: «دو عبارت «ط» و «ه»، رمزی برای بررسی دروس علوم ریاضی، طبیعی و نجوم است؛ در حالی که هیچ ارتباطی با این دروس ندارد. یا در ارتباط با تفسیر «الف، لام، میم» در آغاز سوره ی مبارکه ی بقره می گوید: این حروف به جهاد و علوم طبیعی اشاره دارد.

یعنی در سوره ی بقره دو چیز وجود دارد: یکی جهاد و دیگری علوم بشری، که خداوند متعال قبل از شروع سوره، در غالب عبارت «ا، ل، م» به آن اشاره کرده است، این ادعا رد شده است؛ زیرا به موضوع اشاره نکرده است. یا در بحث (خَلَقَ الْجَانَّ مِنْ مَارِجٍ مِنْ نَارٍ)، بحث ترکیب نورهای هفت گانه و شعله های لرزان و... را مطرح کرده^[7] و این فرضیه های ثابت نشده را به قرآن تحمیل نموده است.

2. در تفسیر ایشان، تفسیر به رأی و به کار بستن سلیقه و نظر شخصی وجود دارد. در موارد بسیاری، ایشان دیدگاه های فردی خود را بر یک آیه تحمیل کرده و منجر به تأویل شده است.

3. در تفسیر ایشان، خود باختگی در برابر فرهنگ غرب وجود دارد؛ هر چند به جهت دل سوزی مسلمانان است. ایشان قایل است مسلمانان باید در مقابل فرهنگ غرب مجهز باشند و یکی از راه های تجهیز را تفسیر قرآن بر اساس علوم روز و ایستادن در مقابل دانش امروز غرب می داند. این مطلب صحیح به نظر نمی رسد.

4. ایشان، هدف اصلی قرآن را، که هدایت و تربیت بشر است، فراموش کرده و بیش تر به مباحث علمی، مانند علوم فقهی و مباحث شبه علمی و فرا روان شناسی پرداخته است. بسیار تحت تأثیر تحلیل هیپنوتیسم و احضار ارواح قرار گرفته است؛ اما درباره ی توحید، و آیات اخلاقی، به یک تفسیر لفظی، شرح مفردات و ترجمه ی ساده اکتفا کرده است.

5. بحث های علمی را اصل و آیات را فرع قرار داده است.

6. برداشت هایش، که ناشی از همان تطبیق ایشان است، با قرآن کریم ناسازگار است. قرآن کریم آیات را مکمل یک دیگر دانسته و اختلاف در آن را رد نموده است؛ اما برداشت های ایشان منجر به اختلاف شده اند.

7. مطالب بی ارتباط با تفسیر، مانند مناظر طبیعی، حیوانات، تصاویر و... در

آن وجود دارد؛ لذا احمد حنفی می گوید:

گرچه من تلاش پاک و صادقانه ی مرحوم استاد طنطاوی را ستایش می کنم، ولی وی در بیان علوم مختلف، زیاده روی کرده است، تا آن جا که از حدود معانی آیات تجاوز نموده است.^[8]

یکی از دانشمندان معاصر نیز می گوید:

اگر کسی مختصر آشنایی با قرآن و ترجمه ی آن داشته باشد و وارد تفسیر طنطاوی شود، می بیند که او به شدت در برابر فرهنگ غرب، به جای دفاع، به خود باختگی مبتلا شده است.^[9]

دکتر رضایی:

در مورد تفسیر طنطاوی یک نکته ی اساسی وجود دارد که ممکن است ریشه ی مشکلات تفسیر او در همین باشد. ما بحثی با عنوان تفاوت بین روش تفسیر و گرایش تفسیر داریم؛ روش تفسیر این است که مطالب علمی را در خدمت آیات علمی قرآن دهیم و برای فهم بهتر قرآن استخدام کنیم؛ اما گرایش تفسیر علمی این است که مطالب مختلفی را جمع کرده و داخل تفسیر قرار دهیم؛ در حالی که ممکن است ارتباط چندانی با آیه نداشته باشد و تفسیر آیه را روشن تر نکند. در حقیقت، تفسیر طنطاوی از جمله تفسیرهایی است که داخل گرایش تفسیر علمی قرار می گیرد؛ یعنی طنطاوی برای فهم بهتر آیات قرآن، از مطالب علمی استفاده نکرده است، بلکه انباری ساخته است که مطالب مختلف علمی را به صورت دایرة المعارف، داخل آن قرار داده است.

پی نوشت ها:

- [1] .رک: محمد علی رضایی اصفهانی، درآمدی به تفسیر علمی قرآن، ص 168 - 178.
- [2] .طنطاوی، تفسیر جواهر، ج 17، ص 17.
- [3] .ذهبی، همان، ج 2، ص 566.
- [4] .فهد رومی، انجاهات، ج 2، ص 650.
- [5] .بهاءالدین خرمشاهی، تفسیر و تفاسیر جدید، ص 108.
- [6] .ذهبی، همان، ج 2، ص 556.
- [7] .رک: طنطاوی، تفسیر الجواهر.
- [8] .احمد حنفی، التفسیر العلمی الایات الکونیه فی القرآن، ص 7.
- [9] .محمد تقی مصباح، جهان شناسی، ص 5.

عوامل روی کرد به تفسیر علمی

با توجه به این که تفاسیری مانند تفسیر طنطاوی مورد نقد قرار گرفته اند، ولی می بینیم که در قرن های اخیر، استقبال بیش تری از تفسیر علمی شده است و حتی تفاسیر جدید، بیش تر از تفاسیر قبلی به مسائل علمی پرداخته اند؛ به نظر شما عوامل و علل روی کرد به تفسیر علمی در قرن اخیر چیست؟

دکتر رضایی:

عوامل مختلفی وجود دارد:

1. زمینه ی اساسی، همان رشد علوم تجربی در قرون اخیر است. از قرن (16-17م) علوم تجربی در غرب رشد نمود و از مصر و هند به کشورهای اسلامی آورده شد؛ مسلمانان از طریق ترجمه ها و مطالعات و افرادی که برای تحصیل به غرب می رفتند، با این مسائل آشنا شدند. وقتی این مطالب وارد کشورهای اسلامی شدند و در کنار آیات قرآن و روایات و احادیث قرار گرفتند، نگرش نوینی برای مطالب و آیات قرآن پدید آمد و مسلمانان دریافتند که با استفاده از بعضی از این مطالب و با پیروی از روش صحیح می توان مطالب و آیات قرآن را بهتر فهمید؛ یعنی منجر به استخدام علوم در فهم قرآن می شود. بر این اساس گروهی از مفسرین برای روشن کردن آیات قرآن، از مطالب جدید و قطعی و ثابت شده ی علمی بهره می گیرند.

2. دفاع دانشمندان اسلامی از قرآن و اسلام با طرح انطباق قرآن با علوم تجربی؛ دانشمندان خواسته اند نشان دهند که قرآن قرن ها قبل به بسیاری از مطالب علمی، اشاره کرده است و با علم مخالف نیست. البته در این زمینه افراط هایی صورت گرفته است که نمونه ی آن تفسیر طنطاوی است.

3. مسئله ی اثبات اعجاز علمی قرآن.

4. انحراف برخی از مسلمانان؛ «علامه طباطبایی (ره)» در این زمینه می فرماید:

وقتی که اصالت حس در اروپا پیروز شد و یک نوع بی توجهی به ماوراء الطبیعة پیدا شد، بسیاری از منحرفین مسلمان که تحت تأثیر شدید این فرهنگ قرار گرفته بودند، برای انکار ماوراء الطبیعة، به سراغ قرآن و علم رفتند، و خواستند برخی از مطالب و معجزات قرآن را با توجیحات علمی توجیه کنند و به نحوی ماوراء الطبیعة را نپذیرند؛ برای این که از طرفی ماوراء الطبیعة را قبول نداشتند و از طرف دیگر، فرهنگ اسلامی و قرآنی بر کشورهای اسلامی حاکم بود، سعی کردند با نوعی از تحریف و التقاط، مسئله را حل کنند.^[1]

مثلاً در سوره ی «فیل» که مسئله ی «سجیل» مطرح است، وقتی «ابابیل» آمدند و «سجیل ها» را انداختند و لشکریان ابرهه نابود شدند، برای توجیه مادی آن می گویند سجیل ها حاصل بیماری و میکروب (آبله یا وبا) بوده اند و آن را بر سر لشکر می انداختند و فوری می مردند.^[2] در واقع این ها توجیحات مادی از معجزات پیامبران الهی است که در قرآن ذکر شده است. این خود یک نوع انحراف و عامل گسترش نوع غلط تفسیر علمی بوده است.

آثار مثبت و منفی تفسیر علمی

از سخنان شما این طور استفاده می شود که این تفسیر علمی دارای آثار مثبت و منفی است، به چند اثر مثبت و منفی اشاره فرمایید؟

دکتر رفیعی:

اگر معیارهایی که برای تفسیر علمی گفته شده است، رعایت نشود، آثار منفی به دنبال خواهد داشت و اگر آن معیارها و ضوابط رعایت شوند، آثار مثبت به دنبال خواهد داشت. اگر تفسیر علمی، به معنای اصل قرارداد آیات و

فرع قراردادان علوم تجربی باشد و ارتباط آیات با علم، براساس ضوابط و قوانین مسلم باشد، همه اش مثبت است؛ اما اگر تفسیر علمی به معنای فرع قراردادان آیه واصل قرار دادن فرضیه ها، و خضوع قرآن و آیات در مقابل داده های علمی باشد، طبیعی است که آثار منفی خواهد داشت.

آثار مثبت تفسیر علمی، پی بردن به یکی از وجوه اعجاز قرآن، مسئله ی مطرح نمودن قرآن در میان نسل جدید و کسانی که می خواهند با نگرش دیگری به آن بنگرند، مسئله ی شمول قرآن از جنبه های مختلف، پی بردن به عظمت شخصیت نازل کننده، پی بردن به جایگاه و حقانیت دین است. آثار منفی نیز، موجب عدم اعتقاد به آیات قرآن می شود.

پی نوشت ها:

[1] . محمد حسین طباطبائی، تفسیر المیزان، ج 1، ص 7 - 8.

[2] . محمد عبده، همان، ص 161.

کتابنامه

1. قرآن.
2. ابن فارس، احمد؛ معجم مقاییس اللغة، تحقیق عبدالسلام هارون، مکتب الاعلام الاسلامی، 1404 ق.
3. بوکای، موریس؛ مقایسه ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم، ترجمه ی مهندس ذبیح الله دبر، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چ 3، 1365 ش.
4. جفری، آرتور، واژه های دخیل، ترجمه ی فریدون بدره.
5. جمعی از دانشمندان؛ العدد الاول، رسالة القرآن، قاره: انتشارات معارف، 1983 م.
6. حنفی، احمد؛ التفسیر العلمی الآیات الكونیة، مصر: دائرة المعارف.
7. خرمشاهی، بهاءالدین؛ تفسیر و تفاسیر جدید، تهران: انتشارات کیهان، 1364 ش.
8. الخولی، امین؛ التفسیر مصالح حیات، منهجة اليوم، طبعة جماعة الكتاب، 1944 ق.م.
9. خویی، سیدابوالقاسم؛ البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دارالزهراء، 1987 م.
10. الذهبی، محمدحسین؛ التفسیر و المفسرون، بیروت: دارالقلم، چ 1.
11. رازی، فخرالدین؛ تفسیر کبیر، بیروت: دارالکتب العلمیه، 1990 م.
12. رضایی اصفهانی، محمد علی؛ درآمدی بر تفسیر علمی قرآن.
13. رفیعی محمدی، ناصر؛ تفسیر علمی قرآن، تهران: انتشارات فرهنگ گستر، چاپ اوّل، مجلد 2، 1379.
14. رومی، فهد؛ اتجاهات، ج 1، ریاض: 1407 هـ. ق.

15. الزرقاني، محمدعبدالعظيم؛ مناهل العرفان فى علوم القرآن، بيروت: دارالكتب العلميه، 1996 م.
16. الزركشى، بدرالدين محمدبن عبدالله؛ البرهان فى علوم القرآن، بيروت: دارالفكر، 1988 م.
17. سيد قطب؛ فى ضلال القرآن، ج5، بيروت: دار احياء التراث العربى، 1967 م.
18. السيوطى، جلال الدين عبدالرحمان؛ الاتقان فى علوم القرآن، بيروت: دارالكتب العلميه، 1987 م.
19. الشاطبى، ابواسحاق؛ الموافقات فى اصول الاحكام، چاپ مصطفى، بى تا.
20. شحاته، محمود عبدالله؛ تفسير الايات الكونيه، قاهره: داراعتصام.
21. شلتوت، محمد؛ تفسير القرآن الكريم، ج11، بيروت: دارالشروق، 1408 ق.
22. طباطبايى، محمد حسين؛ الميزان فى تفسير القرآن، بيروت: مؤسسة الاعلمى للمطبوعات، 1997 م.
23. الطبرسى، ابى على الفضل بن حسن؛ مجمع البيان، بيروت: مؤسسة الاعلمى للمطبوعات، 1415 ق.
24. الطنطاوى، جوهرى؛ الجواهر فى تفسير القرآن، بيروت: دارالفكر.
25. _____؛ القرآن والعلوم العصريه: مصر: شركة المصطفى، 1371 ق.
26. عبده، محمد؛ تفسير القرآن الكريم، (جزء عم) مصر: الجمعية الحرية الاسلاميه، ج2، 1341 ق.
27. غزالى، ابوحامد؛ احياء علوم الدين، بيروت: دارالفكر.

28. _____؛ جواهر القرآن، دمشق: المركز العربي للكتاب.
29. الفراهیدی، خلیل بن احمد؛ کتاب العین، تحقیق از فخرومی و سامرای، انتشارات اسوه، چ 1، 1414 ق.
30. فکری، علی؛ القرآن ینوع العلوم و الفرقان، دار احیاء الکتب العربیہ، 1951 م.
31. مدحت حافظ، ابراهیم؛ الاشارات العلمیة فی القرآن الکریم، قاهره: مکتبة غریب.
32. مصباح، محمدتقی؛ معارف قرآن، جهان شناسی، قم: مؤسسه ی در راه حق، 1362 ش.
33. مظفر، محمدرضا؛ المنطق، قم: انتشارات اسماعیلیان، چ 5، 1370 ش.
34. مهاجری، مسیح؛ نظریه ی تکامل از دیدگاه قرآن، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1363 ش.
35. نوری، حسین؛ دانش عصر فضا، قم: نشر مرتضی، چ 1، 1370 ش.
36. نوفل، عبدالرزاق؛ القرآن و العلم الحدیث، بیروت: دارالکتب العربی، 1972 م.

فهرست مطالب

=	
2	شناسنامه کتاب
2	مقدمه
5	تفسیر در لغت و اصطلاح
6	تفسیر و کشف مراد خداوند
8	چیستی علم
9	روش های تفسیری
14	پی نوشت ها:
16	اقسام تفسیر علمی
20	معیار روش علمی
23	معیار صحیح تفسیر علمی
27	پی نوشت ها:
29	ادله ی موافقان تفسیر علمی
32	ادله ی مخالفان تفسیر علمی و نقد آن
38	پی نوشت ها:
39	هدف از مباحث علمی در قرآن
40	اهداف و فواید وجودی آیات علمی قرآن چیست؟
44	موضوع آیات علمی قرآن
47	پی نوشت ها:
50	معنای اعجاز علمی
51	معیار تشخیص اعجاز علمی

55.....	پی نوشت ها:
56.....	ادله ی منکرین آیات علمی
58.....	عدم استقبال از تفسیر علمی طنطاوی
63.....	پی نوشت ها:
64.....	عوامل روی کرد به تفسیر علمی
65.....	آثار مثبت و منفی تفسیر علمی
67.....	پی نوشت ها:
68.....	کتابنامه
71.....	فهرست مطالب